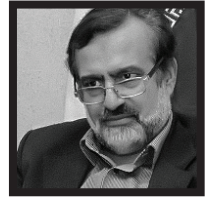




نظریه به گفتمان
تبدیل نشده است

دیس



نظام تبلیغ دینی ما
دچار افت کیفیت شده است

فصلنامه دعبیل - شماره اول، تابستان ۹۶



حجت الاسلام موسویان:
محتوا را فدای
ظواهر کردیم

با آثار و گفتاری از:

محمد رضا سنگری

محمد اسفندیاری

حسن بنیانیان

طاهره همیز

مهدی مسائلی

علی ذوعلم

سید مهدی حسینی

رضا معممی مقدم



دومین دوره کتاب سال عاشورا برگزار شد

اولویت‌های عاشورا پژوهی چیست؟

کمی داشتیم و در سه حوزه خوشنویسی، شعر کودک و ترجمه از فارسی به زبان‌های دیگر هیچ اثری نداشتیم. حوزه عکس و تجسمی نیز از تعداد آثار بسیار کمی برخوردار بود.

سنگری تصریح کرد: در این دوره آثار با سخت‌گیری بیشتری داوری شدند و اگر داوری‌ها همانند دوره گذشته بود، تعداد آثار بیشتری در ردیف برگزیده‌ها داشتیم. اما در این دوره تلاش بر این بود تا آثار به صورت دقیق و علمی مورد داوری و ارزیابی قرار گیرد. دبیر علمی دومین جایزه کتاب سال دعبل یادآور شد: یکی از مهمترین رخدادهای این جایزه ظهور محققان و پژوهشگران جوان در حوزه عاشورایی است که اغلب آنها به حوزه‌های ورود کرده‌اند که کسی تاکنون ورود نکرده است و از این نظر موضوع تحقیق آنها بدیع بوده است.

در سال ۹۴ برگزار شد، آثار پنج سال مورد بررسی قرار گرفت که در این راستا ۵۳۷ اثر در ۱۸ رشته داوری شدند و ۲۰ اثر انتخاب شد اما در دوره دوم، ۳۴۳ اثر را جمع‌آوری کردیم و آثار در ۱۹ رشته داوری شدند که این مقایسه حاکی از رشد کمی آثار عاشورایی دارد و در دوره حاضر ۷ اثر به عنوان برگزیده و ۱۱ اثر شایسته تقدیر معرفی می‌شود.

وی افزود: ۶۹ اثر در حوزه پژوهش فرهنگ و اجتماعی وجود داشت که این تعداد اثر در این حوزه امیدبخش است. در حوزه شعر نیازمند درنگ و بررسی و تحلیل بیشتری هستیم، هر چند کارهای خوبی در این زمینه منتشر شده و سروده‌های عاشورایی عصر ما در ترازوی فراتر از چند قرن گذشته هستند و این ستودنی است. حوزه پژوهش‌های تاریخی دارای ۴۴ اثر بود و در رشته نوحه نیز شاهد رشد آثار بودیم. در ادبیات نمایشی آثار

آئین پایانی دومین دوره جایزه کتاب سال عاشورایی ۱۴ شهریورماه با حضور اساتید، شاعران، مداحان و پژوهشگران حوزه عاشورا در مجموعه شهدای انقلاب (سرچشمه) برگزار شد.

در این مراسم محمدرضا سنگری، دبیر علمی دومین دوره جایزه کتاب سال عاشورا (دعبل) با اشاره به دیوان شعر امام حسین (ع) گفت: امام حسین (ع) دارای دیوان شعر است، هر چند برخی شعرها به ایشان نسبت داده شده اما شعرهای بسیاری هم هستند که وی سروده است، در یکی از این سروده‌ها پیام جهانی آن حضرت این است که من جهان را به سمت بالایی و والایی سوق دادم و جامی از حکمت و روشنی به جهان بخشیدم.

وی با اشاره به رشد کمی و کیفی آثار در این دوره افزود: در دوره نخست جایزه کتاب سال عاشورا که



اولویت در عاشورا پژوهی چیست؟

محمد اسفندیاری، عضو هیئت علمی بنیاد دعبیل خزاعی و دبیر علمی گروه تاریخ و فرهنگ جایزه کتاب سال عاشورا در مراسم اختتامیه دومین دوره جایزه کتاب سال عاشورا گفت: یکی از پرسش‌های مهم درباره آثار عاشورایی این است که؛ مهمترین اقدام پژوهشی درباره امام حسین(ع) چیست و چه کاری پیش از همه ضرورت دارد درباره آن حضرت انجام شود؟ پاسخ این است که؛ مهمترین کاری که لازم است درباره امام حسین(ع) انجام شود، نگارش تاریخ اجتهادی است.

وی افزود: آنچه تاکنون درباره امام حسین(ع) نوشته شده، اغلب مقتل‌هایی است که به نگارش درآمده است، ضمن اینکه این آثار ارزنده هستند، اما هیچ یک تاریخ اجتهادی نیستند. حتی بسیاری از کتاب‌ها تاریخ به مفهوم واقعی آن نبوده و داستان هستند.

اسفندیاری ادامه داد: شرط این کار اجتهاد تاریخی است. چنانکه فقیهان اجتهاد فقهی می‌کنند و فقه الاحکام دارند، ما نیز باید فقه و تاریخ داشته باشیم. اولین نکته در این زمینه بررسی سند است و باید در باب امام حسین(ع) روایات فراوان را مورد بررسی قرار دهیم. من این روایات در باب عاشورا را به سه بخش تقسیم می‌کنم؛ روایات امام(ع) از مدینه تا کربلا، روایات ائمه معصومین(ع) درباره عاشورا و روایات شاهدان یا ناقلان از شاهدان یا ناقلان.

وی تصریح کرد: باید برای یکایک این روایات شناسنامه تهیه شود، تا روشن شود به کدام سند می‌تواند استناد

کرد و به کدام‌ها نمی‌توان استناد کرد. همچنین در دومین مرحله باید منبع معتبر را از غیرمعتبر تمیز دهیم. سپس معلوم شود که سندش معتبر است یا خیر، این سند معتبر معارض دارد یا خیر، همچنین با تاریخ و واقعیت‌های عینی منطبق است یا خیر. از این رو با در نظر گرفتن این شروط، نیازمند نگارش تاریخ اجتهادی در باب عاشورا هستیم.

اسفندیاری در ادامه یادی از مرحوم شعرانی کرد و گفت: همه بزرگان شیعه و قله‌های علمی را در تقسیم‌بندی کلی به دو بخش تقسیم می‌کنم، مراجع تقلید و مراجع تحقیق. که عموم مردم به مراجع تقلید مراجعه می‌کنند در حالی که خواص به مراجع تحقیق و زحماتی که گروه دوم متحمل می‌شوند، کمتر از مراجع تقلید نیست. مرحوم شعرانی از جمله این مراجع تحقیق بود که آثار بسیاری را تألیف، ترجمه و تصحیح کرد. یکی از آثار مهمی که مرحوم شعرانی ترجمه کرده، کتاب «نفس المهموم» شیخ عباس قمی است. وی یادآور شد: آنچه جامعه نیازمند آن است مرجع تحقیق است؛ چرا که باید باشند تا دین و ولایت را با هم اثبات کنند و باید مورد مراجعه مردم نیز باشند و گره‌گشایی کنند تا مردم بتوانند از مراجع تقلید، تقلید کنند.

نتایج نهایی دومین دوره «جایزه دعبیل» (کتاب سال عاشورا)

طبق اعلام دبیرخانه‌ی دومین دوره «جایزه دعبیل» (کتاب سال عاشورا) ویژه‌ی شناسایی و معرفی برترین

کتاب‌های با موضوع عاشورا منتشر شده در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، در مراسم اختتامیه، برگزیدگان نهایی از بین ۳۴۳ اثر ثبت‌شده، بدین شرح معرفی شدند:

الف - گروه فرهنگ و تاریخ

رشته‌ی تصحیح:

- «تصحیح و منبع‌شناسی کتاب الملهوف» / مصطفی صادقی کاشانی / پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (برگزیده)
- «فرهنگ سوگ شیعی» / محسن حسام مظاهری / انتشارات خیمه (برگزیده)
- رشته‌ی پژوهش فرهنگی:
- «سلوک ماتم» / سیدمسعود عمران / انتشارات خیمه (شایسته‌ی تقدیر)
- «عار یا شعار» / مهدی مسائلی / نشر آرما (شایسته‌ی تقدیر)
- رشته‌ی پژوهش اجتماعی:
- (در دو رشته‌ی مقتل و پژوهش تاریخی هیچ اثری شایسته‌ی انتخاب شناخته نشد).

ب - گروه ادبیات

رشته‌ی شعر:

- آتش مهر / غلامرضا سازگار / ستاره قطبی - مؤسسه هلال (برگزیده)
- رشته‌ی نوحه:
- «مراثی خوشدل» / مهدی آصفی / ستاره قطبی - مؤسسه هلال (برگزیده)



- رشته‌ی ادبیات نمایشی:
- «اسب‌ها؛ سال ۵۹ هجری شمسی» / محمد رحمانیان / انتشارات نیلا (برگزیده)
 - «هفده مجلس شبیه‌خوانی» / مرید قنبری نیز / انتشارات اطلاعات (شایسته‌ی تقدیر)
 - رشته‌ی ادبیات داستانی:
 - «فردا مسافرم» / مریم راهی / انتشارات کتاب نیستان (شایسته‌ی تقدیر)
 - «شب‌های حرم‌خانه» / مریم بصیری / نشر اسم (شایسته‌ی تقدیر)
 - رشته‌ی پژوهش ادبی:
 - «حشتم‌نامه» / مهدی امین فروغی / دفتر نشر فرهنگ اسلامی (شایسته‌ی تقدیر)
 - «بند بند عشق» / حمیدرضا جدیدی / انتشارات چکامه باران (شایسته‌ی تقدیر)

ج - گروه هنر رشته‌ی عکس:

- «دهم ماه» / سعید کیایی / انتشارات خیمه (شایسته‌ی تقدیر)
- رشته‌ی تجسمی:

- «تحلیل زیبایی‌شناختی و روایت نقاشی - نمایشی تابلوی عزیمت مسلم بن عقیل از مدینه به کوفه» / اردشیر صالح‌پور / پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری (شایسته‌ی تقدیر)
- رشته‌ی پژوهش هنری:
- «آموزش موسیقی پیش‌خوانی» / اسدالله علی‌عسگری رنانی / انتشارات نقش نگین (شایسته‌ی تقدیر)
- (در رشته‌ی خوشنویسی هیچ اثری شناسایی و ثبت نشد.)

د - گروه کودک و نوجوان

رشته‌ی داستان کودک و نوجوان:

- «پیامبر و فرزندان ۲» / نقی سلیمانی / انتشارات امیر کبیر - کتابهای شکوفه (شایسته‌ی تقدیر)
- رشته‌ی تصویرگری کتاب کودک و نوجوان:
- «پیامبر و فرزندان ۲» / رضا مکتبی / انتشارات امیر کبیر - کتابهای شکوفه (برگزیده)
- (در رشته‌ی شعر کودک و نوجوان هیچ اثری شناسایی و ثبت نشد.)

ه - گروه ترجمه:

رشته‌ی ترجمه به فارسی:

- «روضه‌الاحباب» / ترجمه‌ی مظهر ادوای / بنیاد پژوهش‌های اسلامی (برگزیده)
- (در رشته‌ی ترجمه از فارسی هیچ اثری شناسایی و ثبت نشد.) ■





Photo: Hassan Aghamohammadi

ضرورت گفتمان علمی در عرصه ادب و هنر ولایی

سید مهدی حسینی رکن آبادی



(۱۳۸۶/۰۴/۱۴)

✚ آموزش‌دهی شعر در کنار لفظ قوی، خوب، زیبا و مضامین جذاب و جالب (۱۳۸۶/۰۴/۱۴)

✚ شعر اخلاقی؛ یکی از نیازهای امروز ما (۱۳۸۷/۰۶/۲۵)

✚ توجه به موضوعات و مسائل سیاسی و انقلابی (۱۳۸۷/۰۶/۲۵)

✚ متعهد به مضامین و مسائل انقلابی (۱۳۸۸/۰۶/۱۴)

✚ تأمل و نگاه عیب‌جویانه و انتقادی به شعر خود (۱۳۸۸/۰۶/۱۴)

✚ تعامل شاعر و مداح و کمک کردن به هم (۱۳۸۹/۰۳/۱۳)

✚ هدف از مرثیه پردازی: آمیختن این دل اشک‌آلود به معارف زلال، البته با هنرنمایی (۱۳۸۹/۰۳/۱۳)

✚ پرهیز از روضه مکشوف و اشاره به هنر قدما در این باره (۱۳۸۹/۰۳/۱۳)

✚ هر بافته نظم، شعر نیست (۱۳۹۰/۰۳/۰۳)

✚ اهتمام به مضامین متعالی در شعر (۱۳۹۰/۰۳/۰۳)

✚ اهتمام و توجه به بصیرت بخشی و مسائل روز (۱۳۹۰/۰۳/۰۳)

✚ توجه به معارف قرآنی و روایی، زیارت جامعه کبیره در مضامین شعر آئینی (۱۳۹۰/۰۳/۲۵)

✚ شعر باید در خدمت ارزش‌ها باشد (۱۳۹۱/۰۵/۱۴)

✚ توجه به شیوه نوحه‌های انقلابی و پر شور دوران انقلاب، روشنگری در مراسم مذهبی (۱۳۹۳/۱/۳۱)

✚ آموزش‌دهی مضمون محتوا در مدح و حتی مرثیه (۱۳۹۳/۱/۳۱)

سرفصل‌های بالا تنها نمونه‌هایی از مجموعه‌ای عظیم و پُر و پیمان از سخنان راه‌گشای رهبری است و در حقیقت سال‌هاست این آینه در غبار غفلت ما پنهان مانده است و این سخنان، مسئولیت‌های واگذار شده‌ای است که همواره از آن شانه خالی کرده‌ایم.

پس اولین قدم در راه رفع مشکل فقر گفتمان، تدوین نظرات رهبری است.

✚ کنار گذاشتن شعر ضعیف هرچند خالصانه باشد (۱۳۶۷/۱/۱۸)

✚ ایفای نقش شعر عالی، محکم، قوی، گویا و محتوای خوب: شعر اخلاقی، تاریخی، اعتقادی، توحید، نبوت، ولایت (۱۳۶۹/۱۰/۱۷)

✚ ضرورت و اهمیت تبیین معارف ولایی (۱۳۸۰/۰۶/۱۸)

✚ پرهیز از ارائه شعر با الفاظ زیبا و پُرطمطراق اما بی‌حاصل (۱۳۸۰/۰۶/۱۸)

✚ ویژگی‌های شعر خوب: ضمن بهره‌مندی از معانی خوب، باید شعر هنرمندانه باشد و الفاظ خوب و کلمات مناسب هم در آن به کار رفته باشد (۱۳۸۰/۰۶/۱۸)

✚ استخراج درس‌های زندگانی اهل بیت(ع) و بیان آن با زبان شعر (۱۳۸۳/۰۵/۱۷)

✚ گنجاندن مفاهیم عالی در نوحه‌خوانی، مصیبت‌خوانی و مرثیه‌خوانی (۱۳۸۳/۰۵/۱۷)

✚ پرهیز از وصف ظواهر اهل بیت(ع) (۱۳۸۴/۰۵/۰۵)

✚ ضرورت هنری بودن شعر جهت اثرگذاری بیش‌تر (۱۳۸۴/۰۵/۰۵)

✚ ارائه شعر با هدف افزایش ایمان مخاطب (۱۳۸۶/۰۴/۱۴)

✚ توجه به نظر و تصدیق شعرشناسان، نه دیگران

از سال ۱۳۶۳ تاکنون، قریب به ۳۳ سال است که مداحان و شاعران اهل بیت در روز ولادت حضرت زهرا(س) در محضر آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، برنامه مدیحه‌خوانی اجرا می‌کنند و سپس نظرات ایشان را می‌شنوند.

اگر کسی این نظرات را به دیده تحقیق بنگرد ردی از گفتمان‌سازی در حوزه ادب و هنر ولایی را در سخنان ایشان می‌یابد؛ کیمیایی که باید با دریغ گفت تاکنون از آن غفلت شده و کم‌تر کسی از آن بهره برده است. شاهد مدعا بر این سخن فراوان است. در این یادداشت مختصر، صرفاً جهت یادآوری به چند نمونه اشاره می‌شود:

✚ تنوع نظریات سلیقه‌ای در آموزش مداحی

✚ تنوع جریان‌های مداحی

✚ روزمره شدن برنامه مداحی

✚ کم‌رنگ شدن محتوا

✚ کم‌رنگ شدن حماسه

✚ شعاری‌شدن مفاهیم انقلابی و ارزشی در مداحی و ارائه آن در ساختار غیرهنری

و ...

اگر با این نظر همراه باشید حتماً از خود می‌پرسید پس نقش این همه نهاد آموزشی، مراکز فرهنگی و .. در قبال این معضلات چیست؟ چرا تاکنون نتوانسته‌اند این معضل را برطرف سازند؟ پاسخ ساده است: «فقر گفتمان» و «شیوع سلاقی متنوع!». البته پیش‌تر آمد که از سی سال گذشته در سخنان رهبری نشانه‌های گفتمان‌سازی بوده و هست اما وقتی به آن توجه نشود عدم وجود آن در حقیقت، یک‌سان است!

با یک بررسی ساده و آمارگیری یا تحقیق معمولی و دم دست می‌توان دریافت چقدر به سخنان رهبری توجه می‌شود.

کافی است چند نمونه اجرای مداحان برجسته کشوری را بررسی کنید و بهترین اجرای‌شان را با معیارهایی که در این سی سال ارائه شده بسنجید، برخی معیارها در اینجا نقل می‌شود تا زحمت جست‌وجو از دوش‌تان برداشته شود و زودتر به جمع‌بندی برسید:

✚ قانع نشدن به شعر کم‌مایه (۱۳۶۳/۱۲/۲۲)

اما مقصود از گفتمان مداحی چیست؟

امروزه از گفتمان به عنوان «زمینه معنایی بحث» یاد می‌شود که به معنی پرداختن مفصل و جزء به جزء یک موضوع، در قالب نوشتن یا گفتن است. این تعبیر را در سخنان رهبری نیز می‌بینیم:

«گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند، این با گفتن حاصل می‌شود، با تبیین لازم، تبیین منطقی، تبیین عالمانه و به دور از زیاده‌روی‌های گوناگون، با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش بایستی این مطالب را منتقل کرد» (۱۳۹۲/۱۲/۱۵) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری).

و «نخبگان به عنوان اصلی‌ترین نیرو و بازوی فکری، نقش مؤثری را هم در گفتمان‌سازی و هم پیشرفت جامعه ایفا می‌کنند. ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است، به دست اندیشمندان جامعه است، آنها هستند که می‌توانند فکر ملت‌ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه نجات ملت‌ها شود، همچنان که خدای نخواستہ می‌توانند به سمتی ببرند که مایه بدبختی و اسارت و تیره‌روزی ملت‌ها شود... بنابراین اساتید دانشگاه، فرزندان و نخبگان علمی در هر کشوری می‌توانند سررشته‌دار حرکت مردم شوند، البته به شرط اخلاص، به شرط شجاعت، به شرط نترسیدن از دشمنان. اگر ترس آمد، اگر طمع آمد، اگر غفلت آمد، اگر تنبلی آمد، کار خراب خواهد شد. اگر ترس نبود، شجاعت بود، اگر طمع نبود، اگر غفلت نبود، هوشیاری و بیداری بود، آن وقت کار درست خواهد شد» (۱۳۹۱/۹/۲۱) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی).

امروزه به جهت روزمره‌شدن هنر و فن مداحی، تنبلی برخی خواص، با په سن گذاشتن نخبگان هنر مداحی، عدم رویش، حضور کمرنگ نخبگان و... هنر مداحی در برخی عرصه‌ها دچار رکود و ایستایی شده است و بدین جهت، اصولی چون گفتمان مداحی، فرهنگ‌سازی، آموزش و تبیین مبانی در جامعه مداحی محل تأمل است و در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و ضرورت آن بیش از همیشه احساس می‌شود.

با دریغ فراوان باید گفت، آنچه در جریان شعر و مداحی امروز دیده می‌شود بیش‌تر سلایقی است که به باوری عمومی تبدیل شده است و مجموع سلاقی موجود، در حقیقت خرده‌فرهنگ‌هایی است که فراگیر شده و مطمئناً صاحبان این خرده‌فرهنگ‌ها هیچ‌گاه به اشتراک نظر هم نمی‌رسند!

از سوی دیگر برخی مراکز فرهنگی سخت به دنبال راه‌اندازی مدرسه مداحی و گروهی در پی دانشگاه مداحی‌اند. این حرکت امیدوارکننده است و به نوعی تلاش برای گفتمان‌سازی است، اما با کدام کتاب معتبر

آموزشی؟ چرا هر یک منفردانه به دنبال راه‌اندازی این مراکزند؟ و چرا به یک نظر واحد نمی‌رسند؟ چرا برخی کتب تالیفی ایشان در این باره به عرصه علمی راه نمی‌یابد و حتی بعد از چاپ، خیلی زود محو می‌شود یا به دست خودشان - برای حفظ اعتبار و جبران کاستی - از گردونه خارج می‌شود؟ مشکل‌شان چیست؟

همه این مشکلات به دو نکته باز می‌گردد: یکی این‌که، در فضای شعر و مداحی، نگرش سلیقه‌ای جای تفکر علمی را گرفته و سخت راه ورود معیارهای علمی را بر آن بسته است، به این موضوع، پیش‌تر اشارتی شد. دیگر آن‌که، همواره نسبت به گنجینه‌های موجود علمی - که راه را برای گفتمان‌سازی هموار می‌کند - همواره بی‌مهری شده است، غفلت از نظرات راه‌گشای رهبر فرزانه انقلاب، برجسته‌ترین مصادیق این بی‌مهری است. به عنوان نمونه، از دیدار اخیر مداحان و شاعران با ایشان یاد کنیم که بخشی از مهم‌ترین نظرات راه‌گشای ایشان برای چندمین بار ارائه شد ولی کم‌ترین توجهی تاکنون به آن نشده است، نه تحلیلی، نه بیانیه‌ای، نه حرکت فرهنگی و ...

➤ توجه به این سرفصل‌ها راه ما را در گفتمان‌سازی هموار می‌کند:

➤ معرفی پدیده مداحی که شامل سه بعد انسانی ایمانی و هنری است؛

➤ طرح این سؤال که چگونه می‌تواند این پدیده (مداحی) کاملاً به نفع اسلام و نظام تمام شود؛

➤ بی‌ارزشی تمجید دنیوی و مقایسه ارزش معنوی مداحی؛

➤ نقش محتوا در مداحی؛

➤ لزوم توجه مداح به دنیای امروز و ارائه برنامه مناسب با نیاز زمان؛

➤ ضرورت گفتمان‌سازی در باره وظایف مداح؛

➤ اشاره به مداحان موفق در دفاع مقدس و ضرورت شناخت اقتضای این زمان؛

➤ آسیب‌شناسی و پیش‌گیری از انحرافات؛

➤ تعریف نوکری واقعی.

با این همه سرفصل که فقط در یک بخش کوتاه از سخنان ایشان مطرح شده، قطعه این مسئولیت بر دوش صاحبان سخن و محققان دلسوز سنگینی می‌کند و ضرورت گفتمان‌سازی در عرصه مداحی را به همه یادآور می‌شود.

چه بپذیریم چه نپذیریم، مداحی امروز ایرادات اساسی دارد، چه در ساختار و چه محتوا و نباید با آن به دیده تعصب نگریست؛ همه این ایرادات هم با رعایت شئون علمی قابل حل و دفع است.

اما از کجا شروع باید کرد؟

به نظر می‌رسد این مسیرها باید پیموده شود:

۱. ابتدا نهادهای فرهنگی مرتبط با مداحی دست دوستی و همکاری به هم دهند؛

۲. در مرحله بعد، وظایف تقسیم شود: تولید محتوای علمی - تالیف آثار - رتبه بندی علمی - تربیت مربی - آموزش - رصد آسیب‌ها و فرصت‌ها، و...

۳. راه‌اندازی پژوهش‌گاه تحقیق درباره کلیدواژه‌های مداحی بر مبنای علوم انسانی و اسلامی؛

مثلاً آرایه تعریف واحد از مفهوم «غلو» یا «زبان حال» و...

گفتنی‌ست نویسنده وقتی سرگرم تالیف کتاب فرهنگ اصطلاحات مداحی بود، سخت اسیر حاشیه‌های این موضوع شد، مثلاً درباره کلیدواژه «شعر کاربردی» دو نظر کاملاً متفاوت از دو مداح معروف و باتجربه دریافت نمود که در هر یک نگاهی سلیقه‌ای دخیل بود. این تفاوت نظر، از دو روحانی سرشناس و سخنران معروف نیز درباره کلیدواژه «غلو» مشاهده گردید!

مسئله این تفاوت آرا به سلیقه‌ای بودن هنر ستایش‌گری، حاکمیت سلاقی خاص و حتی برداشت ناقص از یک مفهوم در یک عرصه زمانی یا مکانی بستگی تام دارد.

مخاطب محترم این نوشته، شاید با نظرات نویسنده موافق نباشد یا آن را اغراق‌آمیز بداند، این اعتراض در جای خود بسیار محترم است با این حال از این گرامیان انتظار می‌رود، حداقل به فهرستی که در ذیل می‌آید عنایت و توجه کنند و آن را با فهرست نظرات رهبری - که در بالا آمد - تطبیق دهند؛ آن‌گاه خواهند پذیرفت که مشکل بزرگ مداحی امروز، فاصله‌گرفتن از علمیت و گفتمان‌سازی است و دقیقاً به همین جهت، گرایش شدید به راضی کردن مخاطب از مهم‌ترین اصول مداحی امروز و از عیارهای موفقیت مداح شده است، و درست به همین دلیل است که این پدیده‌ها در مداحی به راحتی قابل رویت است:

- عوامانه‌خوانی و کاربرد عبارات ستخیف
- خنثی شدن مداحی و عدم موضع حماسی
- فراگیر شدن شعر سهل‌الفهم و بی‌پشتوانه
- موسیقی محوری، تنوع قالب‌های نوحه و کم‌شدن زمان شعرخوانی

- مداح محوری در اجرا
- کمرنگ شدن معیارهای هنری در تمایز میان مداحان
- یک‌بار مصرف شدن شعر
- درج مفاهیم ناشایست در شعر

- ورود ابزار موسیقی
- تلاش برای گریاندن به هر قیمت
- و...

خلاصه کلام این‌که، انتظار می‌رود مراکز فرهنگی ذی‌ربط، نخبگان و پیش‌کسوتان این عرصه، دست یاری به هم دهند تا راه برون‌رفت از این بن‌بست را هموار سازند، در این صورت است که می‌توان امیدوار بود همگان به اصل گفتمان مداحی روی آورند و نهایتاً در برابر نظرات درست و راسخ تسلیم گردند. ■



گفت‌وگو با دکتر حسن بنیانیان،
رئیس کمیسیون فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی

نظام تبلیغ دینی ما دچار افت کیفیت شده است

کارهای مثبتی که ما برای ارتقای کارکرد این هیئت ها کرده ایم که یکی از آنها داشتن یک مجله علمی با هدف ارتقای دانش و مهارت در این حوزه است، در بخش هایی هم دچار لغزش و کم توجهی شده ایم، اهمیت این موضوع به واسطه شرایطی که داریم به اندازه ای هست که به سازمان تبلیغات اسلامی پیشنهاد کنیم که دوره های آموزش ۱۰ الی ۱۵ روزه ای را پیش بینی کند و همه هیئت ها، موسسین و افراد موثر در هیئت ها در آنها شرکت نمایند تا بتوان اثربخشی این هیئت ها را ارتقا بخشید. مقام معظم رهبری هم رهنمودها و تذکرات بسیاری داشته اند، خیلی از آموزه هایی هم که در تبلیغات نوین مطرح شده را نیز می توان در این هیئت ها به کار گرفت تا اثرشان ارتقا پیدا کند. همانطور که شما اشاره کردید به دلیل اینکه این هیئت ها هم کارکرد عقلانی و هم کارکرد احساسی

موسسین آنها، از انحراف ها و بی کیفیتی دور مانده اند اما در کلیت به نظر می رسد که ما باید به همه عزیزانی که به نحوی در برپایی هیئت ها مشارکت می کنند یادآوری کنیم که لازم است اهمیت و کارکرد هیئت را بار دیگر مرور کنند، هیئت یکی از اجزای نظام تبلیغات اسلامی است که در طول چند سده اخیر عامل انتقال دین به دیگر نسل ها بوده و نقش بزرگی در انتقال مفاهیم اعتقادی و اخلاقی ایفا نموده است، منتها همانطور که شما اشاره کردید عزاداری یک فعالیت اجتماعی هم هست که متاثر از تحولات اجتماعی می باشد، پس تغییراتی در آن اتفاق می افتد، این تغییرات می تواند مدیریت شود و در راستای ارتقای اثربخشی عزاداری ها به پیش رود، می توان هم رهاش کرد تا منطبق با تحولات جامعه در بعضی از موارد دچار عقب ماندگی و پس رفت شویم، به نظر می رسد در کنار

رضا دستجردی: با دکتر حسن بنیانیان که سال ها در عرصه فرهنگ تجربه اجرایی دارد و حالا رئیس کمیسیون فرهنگی - اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی است درباره وضعیت هیئت ها و آسیب ها و قوت ها به گفت و گو نشستیم. حاصل این گپ و گفت را بخوانید؛

✚ ارزیابی شما از تغییر و تحول الگوهای عزاداری در ماه محرم و عاشورا طی دهه های اخیر چیست؟ عمدتاً چنین تلقی شده که شاهد گسترش ظاهر گرای و افول محتوا، به موازات افزایش کمی اعمال و مناسک بوده ایم.

البته این مطلب در رابطه با همه هیئت ها صدق نمی کند، هستند هیئت هایی که به واسطه فرهیختگی

دارند، و از طرف دیگر باید در شرایطی که تهاجم سنگین فرهنگی در کشور پدیدار شده و جریان های مختلف فرهنگی نیز تلاش می کنند تا مخاطبین را از آن خود کنند، هیئت ها هم گاهی برای جذب مخاطب دچار لغزش هایی می شوند. مهارت جذب مخاطب در چارچوب اصول و مبانی، خود موضوع درسی است که می توان در آن بحث کرد که چگونه هم اصول و مبانی اسلامی را مراعات کنیم و هم مهارت جذب مخاطبین جدید را پیدا نماییم.

ما فکر می کنیم به دو نوع تحول در هیئت ها نیاز داریم، یکی اینکه تحول هیئت ها می بایست به سمتی پیش رود که ما نه تنها مخاطبین مذهبی را در ایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان داشته باشیم، بلکه برخی فعالیت ها را نیز در این هیئت ها سامان دهیم که در طول سال و در همه اعیاد، مخاطبین مذهبی خود را داشته باشند، دوم اینکه مردم در خیلی از آموزه های دینی عقب اند و حکومت نسبت به این موضوع مسئولیت دارد، یعنی به همان میزان که می گوئیم افسار مذهبی توفیق پیدا کرده اند به هیئت بیایند و از آموزه های اسلامی استفاده کنند، باید بگوئیم نسبت به افراد غیر مذهبی یا کمتر مذهبی هم مسئولیت داریم که این آموزه ها را فراگیرند. باید در هیئت هایمان، مهارت آموزی ها، ایده پردازی ها و خلاقیت هایی ایجاد شود تا هیئت ها در محیط هایی هم که هیئت های مذهبی در آن وجود ندارد امتداد پیدا کنند، مثل مجتمع های مسکونی جدید یا برج هایی که در شهرهای بزرگ ساخته می شود، این مراکز از ماهواره های مرکزی برخوردارند و هیچ ارتباطی با نهادهای فرهنگی داخل ندارند، اگر هیئت ها از تجربیات خود استفاده کنند و مدیران هیئت ها نیز قدری سعه صدر داشته باشند، آموزش ببینند و نگاه شان عوض شود، آن وقت می توان ایده پردازی کرد و در عرصه های عزاداری حضور پیدا کرد، این حضور می تواند در موضوعات مختلف باشد، از جمله هنر که در این رابطه موثر است، البته در محتوا هم باید مجموعه اقداماتی را صورت دهیم. این کلیت ذهنی من است که اصل هیئت باید توسعه یافته و تقویت شود، هم به لحاظ عمقی برای ایده پردازی، هم به لحاظ سطح برای حضور در عرصه های که هیئت ها حضور ندارند، تا در طول سال از این ابزار برای مسائل فرهنگی کشور بهره بگیریم.

✚ اگر از دید تحقیقی و پژوهشگرانه به سیر آیین های عزاداری نگاه کنیم، آیا تصور می کنید که عزاداری های ما از آن خط اصیل فاصله گرفته است؟

برکات هیئت ها بسیار زیاد است، با این وجود دچار آفاتی هم شده اند. به طور کلی می توان گفت که نظام تبلیغ دینی ما دچار افت کیفیت شده که البته صرفاً خاص نظام تبلیغاتی دین ما نیست، کل فعالیت های فرهنگی کشور، چه فعالیت هایی که نهادهای انجام می

دهند، چه آنهایی که بخش مردمی صورت می دهند، و چه فعالیت های فرهنگی که در سازمان های دولتی انجام می گیرد، دچار انواع آسیب ها و آفت هاست، که از عمده این آفات، کمبود شدید اثربخشی است، این معضل، موضوعی است که باید همه جا راجع به آن بحث کنیم، به همین خاطر مدتی است که ما در حال بحث در خصوص ضرورت تدوین پیوست فرهنگی برای هیئت، منبر و مسجد هستیم، تا طرح بحث کرده و اهداف مان را مرور کنیم، که این مسجد در حال حاضر در این محله چه کار می کند؟ قرار بوده چه کند و چه فعالیت های بالقوه ای را می تواند داشته باشد؟ بحث می کنیم تا بتوان کلیت هیئت، مسجد و روحانیت را آسیب شناسی کرد، نتیجه آن این است که روحانی و هیئت امان از خود سوال می کنند مسجد ما برای توسعه فرهنگ دینی چه کار می کند و چه کار می توانستیم بکنیم؟ پس تلاش در جهت عمق بخشیدن به مطالعات و آموزش های افرادی است که در عرصه تبلیغ دینی کار می کنند.

✚ ارزیابی شما از وضعیت فعلی فعالیت های فرهنگ دینی به ویژه عناصری چون هیئت، منبر، مداح و آیین ها چیست؟

همانطور که می دانید من جزو آن نفراتی هستم که کتابی برای مداحان نوشتم با این موضوع که مداحان چگونه فرهنگ سازی دینی کنند. مداح چون از شعر و موسیقی بهره می گیرد، خود جزو هنرمندان و اثرش جزو هنرهای بسیار موثر در جامعه است و مخاطب بسیار وسیعی دارد، طبیعتاً اگر بخواهیم آسیب شناسی کنیم، اولین موردی که به ذهن می رسد میزان استقبال جامعه از مداحان است، متناسفانه برخی مداحان به ضرورت توسعه و تعمیق دانش و مهارت و افزایش ظرفیت های هنری خود توجه نمی کنند، عشق مردم به امام حسین (ع) باعث شده که افرادی در این قشر توجهی به افزایش ظرفیت خود نکنند و هر چه خلا دارند با عشق مردم به امام حسین (ع) پر کنند، در حالی که حوادث کربلا و ایام عاشورا و همه تلاش هایی که ائمه اظهار کردند برای ترویج دین بود، نه اینکه جلسه ای در هیئت تشکیل شود، یک مداح مخاطب داشته باشد، پول خرج کنیم و نذری بدهیم و مردم گریه کنند، اینها همه مقدمه ایست بر اینکه آموزه های دینی به رفتار مخاطبین ما منتقل شود و حضور دین با جامعیت خود یعنی حضور اعتقاد، ارزش دینی در کنار رفتارهای دینی، شیرینی دین داری را به خود افراد و جامعه بچشاند، البته مداحان می توانند خودشان ملاک هایی برای ارزیابی عملکرد خود داشته باشند، جلسه گردانی بهتر، انتخاب شعر صحیح، و هنرنمایی های مابین قرائت شعر، تقویت باورهای دینی مخاطب، میزان افزایش احترام به مبانی دینی، انجام عبادت های الهی، حلال خوری و سایر ویژگی های یک انسان مومن، ملاک هایی است که می توان کارکرد فرهنگی

یک هیئت را با آن ارزیابی نمود، اگر این اتفاق نیفتاد، باورهای دینی تقویت نشد و به رفتار افراد انتقال نیافت، دچار خسران و زیان می شویم.

تصور کنید بیماری را به بیمارستان برده اید و فقط به او مسکن زده اند و دردش آرام شده، اگر به واسطه این درمان سطحی چند ماه بعد آن بیماری توسعه بیشتری پیدا کرد شما به این بیمار خدمت نکرده اید، به این بیمار آسیب زده اید، چون مسکن در کنار درمان اصلی کفایت می کند، اگر در هیئت های ما کار نشود، اثرشان به مسکن های دینی تبدیل می شود، افراد گناه کنند، روز عاشورا می آیند گریه می کنند، سبک می شوند، بعد دوباره می روند گناه کنند، این خطر بزرگی است، این کفران نعمت است، کفران عشق به امام حسین (ع) است که برخی مداحان ناخودآگاه در این فرآیند مداخله می کنند، و حاصل هیئت شان می شود همین گریه کردن هایی که منجر به ترک گناه نمی شود، البته هیئت هایی هم هست که این اتفاق در آنها می افتد، افراد به واسطه حضور مستمر در هیئت و ظرفیتی که درون آن هیئت پیش بینی شده رفتارهایشان اصلاح می شود، ایمان شان تقویت می شود. دارم در ذهنم برای هیئت، یک کارنامه درست می کنم که بگویم یک سرفصلش، میزان تقویت ایمان افراد است، شاخص دیگر میزان افزایش دانش دینی افراد است، سرفصل مهم بعدی این است که آیا موفق شده اید به ترک گناهان افراد کمک کنید، آیا توجه مراجعین به هیئت ها به معروف ها در رفتار روزمره شان افزایش پیدا کرده است؟ بچه هایی که به این هیئت ها می آیند رفتارشان نسبت به پدر، مادر و همسرشان بهبود پیدا کرده است؟ به نظرم می رسد که می توان این شاخص ها را به صورت علمی اندازه گیری کرد و گفت که این افرادی که به هیئت ما می آیند رفتارهایشان چه تغییری می کند، حال اگر رفتارها تغییر نکرد باید به این نکته عنایت کنیم که نیاز به دین یک نیاز فطری است، اگر این نیاز را اشباع کنیم بدون اینکه رفتارها را دینی کرده باشیم فرصت ها را سوزانده ایم، مثل همان کسی که به بیمارستان رفته ولی درمان نشده، می خواهیم بگوئیم هیئت این نیست که اثرش از صفر شروع شود و به ده، بیست یا صد برسد، یک هیئت می تواند نقش مخرب هم ایفا کند، اگر مداحش شعر بی ربط بخواند یا اینطور القا کند که همین که به هیئت آمده اید خدا شما را می بخشد یا امام حسین (ع) عاشق آدم گنهگار است، اینها را شنیده ام، یک پشتی نرم زیر سر مخاطب بگذارید که شما در طول سال کارت را بکن، همین که هیئتی هستی کفایت می کند، اینها یعنی سوزاندن این ذخیره الهی که با هزینه سنگین شهادت امام حسین (ع) به دست ما رسیده است، با عنایت به اهمیت این موضوع، هر عزیز مداحی که مخاطب پیدا کرد شرعاً باید دوره های آموزشی را طی کند و تلاش کند که این رویکرها را در شعر، نحوه جلسه گردانی و ... و یا اگر مدیر هیئت است در اداره محیط و هیئت انجام



برنامه هایم بدهم چیزی مطرح نمی شود؟ اینها همه سوالاتی است که ما برای درمانشان راه حل داریم، اما مشروط بر اینکه آن تشنگی ایجاد شود.

✚ به باور شما سیاست گذاری های فرهنگی نهادهای دولتی و حکومتی تا چه اندازه در خط سیر و تغییر و تحول اشکال عزاداری در ایران موثر بوده است؟

ما چاره ای نداریم جز اینکه در موضع حکومت، با توجه به اطلاعاتی که از مجموعه مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور داریم، بر امر سیاست گذاری در جهت رفع نواقص و کاستی های فعالیت های فرهنگی از جمله عزاداری ایفای نقش کنیم، منتها در کشور ما تا اسم سیاست گذاری و ایفای نقش می آید بلافاصله تلقی نوعی دخالت مخرب در اذهان شکل می گیرد، ممکن است برخی بگویند همه جا را خراب کردید، اینجا را دیگر خراب نکنید، بگذارید اینها خودشان کار خودشان را کنند، من عرض می کنم اولاً کلیت حکومت نسبت به این موضوع مسئول است، به این معنی که دولت، حوزه رهبری، تمامی مراجع تقلید و هر آن کسی در موقعیتی قرار می گیرد که در حوزه مسائل فرهنگی کشور نفوذ کلام پیدا می کند، نسبت

است، بنده می گویم در گذشته که تهاجم فرهنگی نبود، اما امروز که هست تو در مقابل این تهاجم فرهنگی چه تغییری در شیوه مداحی ات داده ای؟ بالاخره دشمن یک برگ جدید رو کرده، ما هم باید برای مقابله با آن یک برگ جدید رو کنیم، فرض کنید دشمن با موشک دور برد به ما حمله می کند، ما همچنان در مرزها ایستاده ایم و با اسلحه M1 مبارزه می کنیم، مسلم است که شکست می خوریم، وقتی دشمن خودش را مجهز می کند، ما هم باید خودمان را به همان شکل مجهز کنیم، اگر تهاجم فرهنگی در گذشته نبوده و الان هست، اگر ماهواره در گذشته نبوده و الان هست، شبکه های مخرب اجتماعی در گذشته نبوده و الان هست، تو به عنوان مداح برای مقابله با اینها چقدر کتاب خوانده ای، چقدر تشنه بوده ای که برایت کلاس های آموزشی بگذارند، چرا خود تو به سازمان تبلیغات اسلامی یا نهادهای دیگر نیامدی که بگویی چرا برای ما دوره آموزشی نمی گذارید؟ مخاطب ما دارد از دست می رود، مسئولیت مخاطب به عهده ماست، بگویید چرا برای ما آموزش نمی گذارید؟ چرا مثلاً در مجله خیمه راجع به این موضوع که من مداح در مقابل با اینترنت یا ماهواره چه کار می توانم بکنم، چه چیزی در لابلای مداحی مطرح کنم، من رئیس هیئت چه تغییراتی در

دهد، چون ما فکر می کنیم هیئت بدون روحانی باسواد هیئت نیست، می توانید خورشید قیمه را بدون گوشت تصور کنید؟ ترکیب یک روحانی که بتواند به مخاطب، دانش و معرفت دینی بدهد، در کنار یک مداح باسواد که قدر باشد احساسات را تحریک کند و خودش هم با روحانی هم افزایی کند، هیئت سازنده ای خواهد شد. اگر در هیئت، روحانی نباشد تا بخشی از معارف دینی را تبیین کند و فقط مداح حضور داشته باشد، شاید توانسته باشیم تا حدودی نیاز روحی افراد را به احساسات دینی تامین کنیم ولی رفتار اصلاح نمی شود، ایمان تقویت نمی شود و در حقیقت ما فقط پوسته ای از هیئت داریم، همه جا پر از هیئت است ولی بدحجابی و طلاق و دروغ و سرقت هم در حال افزایش است، بخشی از آسیب های هیئت های ما اینجا ظاهر می شود، واقعیت این است که طلاق باید در خانواده های هیئتی بسیار کم باشد، اگر نیست برای این است که هیئت مان کاستی دارد، همانطور که فعالیت های فرهنگی مسجد محله مان کاستی دارد، همانطور که منبرهای بدون هیئت مان کاستی دارد، همین هاست که نتیجه اش به این شکل در جامعه ما ظاهر می شود. حال ممکن است فردی چون حوصله یا علاقه ندارد که تغییری در روش خود دهد بگوید که اینها شعار یا تاثیر تهاجم فرهنگی



فرار کند و بگوید صدها سال مردم خودشان مسجد می ساختند، جوایش هم این است که صدها سال شهردار نبوده که عوارض بگیرد بعد تراکم بفروشد، درآمد مردم مال خودشان بود، خودشان به روحانی محل خمس و زکات می دادند، روحانی هم به تدریج مسجد می ساخت، اگر شهرداری در حال حاضر برای توسعه شهر از روش های مدرن استفاده می کند، چرا مسجد را از این فرآیند استثنا کرده است؟ البته گاهی روحانیانی هم هستند که چون شناخت عمیق از مسائل ندارند بدون توجه مخالفت می کنند و می گویند شهرداری در امر مسجدسازی دخالت نکند، شهردار هم که از خداخواسته می گوید خودشان هم مخالف اند، این مشکل روحانی است که متوجه اهمیت این امر نیست، که با ساخت یک مسجد که مسئله حل نمی شود، ده ها نقطه از شهرهای تهران، اصفهان، مشهد و ... به مسجد نیاز دارد و جوانانش در کوچه و خیابان رها هستند، حتی روحانی و هیئت هم ندارند. بنابراین سیاست گذاری امری بسیار ضروری و موثر است و ما باید گلاویه کنیم که چرا شورای عالی انقلاب فرهنگی زمان بیشتری را به این عرصه اختصاص نمی دهد، این شورا وظیفه دارد به این پرسش پاسخ دهد که دولت ها رسالت شان نسبت به نظام تبلیغات

ساخت مسجد را می سوزانید و آمادگی های مردم را از بین می برید، مسجد را باید مردم بسازند، شرایط امروز به گونه ای است که خصوصا در شهرک هایی که جدیداً گروه های مستضعف در آن ساکن می شوند مردم از یک طرف به مسجد نیاز دارند، از طرفی هم پولی برای ساخت مسجد ندارند، اگر شهردار با کمک متمولان مناطق دیگر، مسجدی در این شهرک ها نسازد، باید پاسخگوی تمام مصیبت های ناشی از سو تدبیر در تربیت بچه های مردم باشد، حال اگر شهردار، بودجه را گرفت اما کار مسجدسازی را رها کرد و به جای آن، پارک های بزرگ ساخت مردم برایش دعا می کنند اما معلوم نیست خدا او را دعا کند چون نیاز واجب مردم را رها کرده است، ساخت پارک و فضای سبز خیلی خوب است ولی برای بعد از زمانی است که مسجد ساخته شد. بنابراین اصل سیاست گذاری به مفهوم هدایت نیازها به سمت اولویت ها و ساماندهی عرصه های مختلف متناسب با موقعیت های گوناگون جغرافیایی است، مثلا در ایام محرم و صفر در خیابان ایران، در هر کوچه دو الی سه مسجد به همراه هیئت های متعدد فعالیت می کنند اما در برخی مناطق تهران، هیچ رنگ و بویی از عاشورا نیست، شورای شهر تهران در این زمینه مسئول است، البته می تواند از مسئولیت

به تحولات کشور مسئولیت دارد و باید ببیند در توسعه بخش های مختلف فعالیت های فرهنگی موثر، بومی و سازنده خودمان چه کمکی می تواند بکند، یک شهردار را تصور کنید، این فرد که از طریق مردم و شورای شهر رای جمع می کند، نماینده مردم است، از واجب ترین کارهای او به عنوان شهردار این است که نقشه شهر را جلوی چشم بگذارد و ببیند کجا مسجد دارد، کجا مسجد ندارد، کجا مسجد نیاز دارد، کجا مسجدش به تعمیر و توسعه نیاز دارد، و خودش در شورای شهر پیشنهاد دهد که ما قصد داریم این مقدار از منابع مان را به توسعه مساجد اختصاص دهیم، اما بحث مهم این است که این کمک را طوری انجام دهد که مشارکت فعال مردم در این فرآیند از میان نرود و تقویت شود، ضمنا بابت پولی هم که در این طرح هزینه می کند دخالتی در محتوا نکند، دخالت در محتوای فنی مسجد وظیفه روحانیت است، شهردار تنها می تواند زمین آزاد کند و بخشی از منابع را صرف مشارکت های مردمی کند تا مسجد ساخته شود، ما باید به سمت این دست راه حل های بینابین پیش برویم، حالا اگر یک شهردار گفت مسجد را من می سازم و نیازی به دخالت مردم نیست، نقشش تخریبی خواهد بود، مسجد ساخته شده است اما شما دارید فرصت مغتنم و مهم مشارکت مردم در

دینی چیست و چه باید می کردند، اینها باید یک برنامه جامع تدوین و بر اساس آن عمل کنند، البته برنامه را به تأیید بزرگان دین هم برسانند و گزارش دهند که ما می خواهیم بدین نحو حضور دولت را در تقویت نهادهای تبلیغ دین گسترش دهیم، اگر این رویکرد انتخاب شد میوه اش که کاهش اعتیاد، طلاق، حاشیه نشینی در شهرها، تقلیل جرم، کاهش پرونده ها، صرفه جویی در ساخت زندان و ... خواهد بود به تدریج ظاهر می شود.

آیا میان این سیاست گذاری ها و واقعیت های جاری در عزاداری ها، هم راستایی و پیوند دیده می شود یا فاصله و شکافی است که تلاش می شود از طریق اعمال سیاست های بالا به پایین پوشش داده شود؟

شما دارید یک عیب بزرگ سیاست گذاری را مطرح می کنید، در همه دنیا روی این مسائل کار شده، همیشه تا صحبت از سیاست گذاری به میان می آید این تلقی در اذهان شکل می گیرد که مدیران ارشد بنشینند و راهکارهای کلان و کلی را به تصویب و تأیید برسانند، بعد مدیران میانی بر اساس آن، فعالیت های خود را ساماندهی کنند، بحث این است که اینها اطلاعات این سیاست ها را از کجا می آورند، همیشه این آسیب وجود داشته که سیاست گذاری های کلان فاصله زیادی با واقعیت های موجود در کشور دارد، این آسیب ها در همه کشورها مورد مطالعه قرار گرفته و کشورهایی که سیاست گذاری هایشان به روز شده، این عیب ها را از سیاست گذاری های خود زدوده اند، اما چون در جمهوری اسلامی علم سیاست گذاری هنوز بسیار ضعیف است و دولت ها و مدیران هم مرتب عوض می شوند سیاست گذاری هایمان عیب های زیادی دارند، اساساً نمی شود برای کشوری که در حوزه فرهنگ تنوع زیادی دارد، عقب افتادگی و توسعه نیافتگی فرهنگی دارد و هر موقعیت جغرافیایی آن یک ساز و کار دارد، سیاست گذاری های متمرکز از بالا به پایین انجام داد، می توانیم کلیاتی را تصویب کنیم، بعد در سطوح پایین به اقتضای موقعیت، آن سیاست ها را تغییرات و تبدیلاتی بدهیم، برای مثال می توان در سطح شورای عالی انقلاب فرهنگی، با نمایندگان شهرداری ها، شورای شهر، وزارت کشور و امثالهم به این جمع بندی رسید که در این مقطع شهرداری های کشور باید به امر مسجدسازی کمک کنند، اما اینکه شهرداری چطور مشارکت کند را باید به موقعیت ها، نیازها و ظرفیت های محلی واگذار کنیم تا خود آنها بر اساس مصلحت هایشان، در مورد شکل انجام این کمک به جمع بندی و تفاهم برسند و بعد هم بلافاصله در کنار آن یک ساز و کار نظارتی ایجاد کنیم که اگر سیاست در جایی اشتباه است بلافاصله سال بعد تغییراتی در آن بدهیم، اما اشکال اینجاست که ما حرف های مان را کلی می نویسیم بعد هم تعقیب نمی کنیم که چه بخشی از آن اجرا شد و چه بخشی اجرا

نشد، اینها آسیب های مدیریتی کشور ماست که عمدتاً هم حاصل پول نفت است، اگر ما منابع مان را قدر می دانستیم و هر پولی را که خرج می کردیم تا انتها پیگیری می کردیم که به هدف رسید یا نرسید، این مشکلات وجود نداشت، ببینید یک وقت است فردی هزاران تیر دارد، می گویند یکی از این تیرها به هدف بخورد کفایت می کند، شما همه تیرها را می زیند و می گویند انشالله یکی از این تیرها به هدف می خورد، اما یک زمان است که دو عدد تیر داریم و باید یکی از آن تیرها به هدف بخورد، خیلی دقت می کنید، ما پول مفت نفت را در این صد سال اخیر داشته ایم و در خیلی چیزها دچار عقب ماندگی شدیم، اول در علم اقتصاد مصرف منابع، اگر یکی از دلایلی که افراد روضه خوانی می کنند را بپرسید نمی دانند، می گویند برای صوابش، صوابش در جای خودش محفوظ، تو باید دنبال این باشی که در این محله چه معضلات فرهنگی وجود دارد که من می خواهم با سخنرانی خودم آن را جبران کنم، بعد روحانی که می آید مطالعه کنید بگویند ما در این منطقه با این معضلات فرهنگی روبرو هستیم، مخاطب شما هم با این ویژگی پای منبر نشسته، حال مطالعه کن و طوری حرف بزن که مشکلی را حل کنی، اینطور حتما صواب شما بیشتر می شود، نه اینکه یک روحانی در جنوب شهر منبر برود بعد با ماشین برود شمال شهر همان منبری که در جنوب شهر گفته را در شمال شهر هم بگوید، مخاطب هم اصلاً برایش مهم نباشد، این بی توجهی به بازدهی و اثر بخشی به خاطر درآمدهای نفتی است که همه چیز ما را خراب کرده، از جمله نهادهای فرهنگی و مصرف منابع مان را، الان در برخی استان ها به جای اینکه مصلی را در وسط شهر بسازند تا مردم به راحتی به آن دسترسی داشته باشند، بیرون شهر آورده اند، میلیاردها تومان هم پول خرج کرده اند اما مردم نمی آیند آنجا نماز بخوانند، ترجیح می دهند در همان مسجد وسط شهر نماز بخوانند، نمونه دیگر دانشگاه است، در هر شهر که بروید، برای دانشگاه از کنار جاده تا وقتی به کوه برسید دیوار کشیده اند و از بس فاصله ها زیاد است در دانشگاه اتوبوس گذاشته اند، دانشجو هم ندارند، اینها همه نمادهایی از حیف و میل منابع بیت المال است.

به نظر می رسد که در محتوای روضه ها و توجه هایی که در عزاداری های محرم رواج دارد، نهادهای سیاست گذار حکومتی در تلاش برای پالایش محتوا بوده اند، اما از جانب اقشار مذهبی هوادار این گونه روضه ها و مرثی، نوعی مقاومت و بی توجهی نسبت به این سیاست گذاری ها وجود داشته، از سوی دیگر نیز گاه عنوان شده که سیاست گذاری های حکومت خود از عوامل دامن زدن به ظاهر گرایی و کم توجهی به محتوای عزاداری ها بوده است. به طور کلی، دیدگاه شما در این خصوص چیست؟

خب این یک امر طبیعی است، در حوزه فرهنگ به راحتی نمی توانید مدعی شوید که من بیشتر از شما می فهمم، من می گویم شما گوش دهید، اصل موفقیت در تحقق سیاست های فرهنگی این است که سیاست ها به صورت مشارکتی استخراج شود، شما اگر دانشی دارید به مخاطب منتقل کنید، او هم اطلاعات و دانشی دارد که ارائه می دهد، در این رفت و برگشت اطلاعات، هر دو به این جمع بندی می رسند که مثلاً اگر ما به مسجد محله مان، فلان تاسیسات را اضافه کنیم نتایج خوبی حاصل می شود، آن طرف نیازش را می گویند، شما هم مبانی دینی و شناختی که از آینده و دیدگاه های خودتان دارید را می گویند، اما اگر مسجد را پیشاپیش در ذهن خودتان ساختید، دیگر این ارتباط برقرار نمی شود، در همه سیاست گذاری ها باید دیگران را مشارکت داد، به ویژه در حوزه مسائل فرهنگی، اصل باید بر مشارکت مخاطب باشد، حتی اگر می خواهید یک فیلم سینمایی بسازید باید تخمین بزنید که مردم با چه فیلمی رابطه برقرار می کنند تا آن را بسازید.

فکر می کنید در بندهای مندرج در متن مصوبه سیاست های سامان دهی شئون فرهنگی در مناسبت های مذهبی به کدام اهداف نائل شده ایم و در کدام اهداف موفق نبوده ایم؟

ببینید ما زیباترین حرف ها را در این مصوبه آورده ایم، مثلاً «غنا بخشی فکری و محتوایی مجالس و مراسم سوگواری در جهت ارتقا و تعمیق بصیرت و معرفت اقشار و آحاد جامعه درباره فلسفه، عمق، ابعاد، تعلیمات و تبعات حماسه حسینی (ع) و مقابله با تحریفات و اکاذیب پدید آمده در این زمینه»، بعد باید بلافاصله این سیاست کلی در دستگاه هایی مثل سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه و همه سازمان هایی که در این امر سهیم هستند مطرح شود و ما از آنها آسیب شناسی وضع موجود را بخواهیم، بپرسیم که خود شما چه تحلیلی دارید، نمی خواهیم این آسیب شناسی را بی جهت دور بزینم و نکات سطحی به ذهن مان برسد، بگویم بروید با یک استاد دانشگاه یا مرکز پژوهشی دانشگاهی قرارداد ببندید که از همه هیئت ها یک نمونه گیری طبیعی کنند که در هیئت ها چه می گویند، چه تاثیری روی مخاطب شان دارند، بعد هم با مبانی دینی انطباق بدهند و آسیب ها را استخراج کنند، بعد برنامه بیاورند که حال با چه تمهیدات و اقدامات اجرایی می خواهند آسیب ها را برطرف کنند، برای مداح، مدیر هیئت یا روحانیون این هیئت ها چه برنامه هایی دارند، بعد هم بیرون از ساز و کار این موارد، باید یک مرکز رصد فرهنگی ایجاد شود که ببینند این سیاست در طول سال های مختلف تا کجا پیش رفته و شکست خورده یا نخورده، هنوز این درجه از توجه در شورای عالی انقلاب فرهنگی ایجاد نشده است، البته نه در دبیرخانه، مدیران دبیرخانه مرتباً

این مباحث را مطرح و دنبال می‌کنند، اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به این مسئله که سیاست‌گذاری مستلزم یک سازماندهی علمی برای رصد و رفتن از پایین تا بالای اقدامات است توجهی ندارند، همین که طرح تصویب می‌شود دوستان احساس می‌کنند که کارشان تمام شده و این بزرگترین مصیبتی است که فرهنگ از جمله فرهنگ دینی به آن دچار است، چون تصویب این دست طرح‌ها بدون پیگیری اجرایی به ضد خودش تبدیل می‌شود، شما دوباره هم جلسه بگذارید، قشنگ‌تر از این جملات در مصوبه نمی‌توانید بنویسید، «تهیه برنامه‌های منظم و منسجم رسانه‌ای برای نقد و بررسی شعر و مداحی و تعزیه‌خوانی و همچنین مناظره فکری فقهی توسط متخصصان»، ببینید این ایده می‌توانست در طول سال در تلویزیون، یک برنامه ثابت آنقدر پر محتوا و آموزشی باشد که هر مداحی بگوید چون من وقت ندارم کلاس آموزشی بروم پس مثلاً روز چهارشنبه راس ساعت ۱۰ این برنامه را تماشا می‌کنم، ما در حال حاضر مهم‌تر از صدا و سیما نداریم، اما چرا نسبت به این مسائل توجهی ندارد؟ چون صدا و سیما خود اطلاعی از این مسائل و سیاست‌های آن ندارد که بخواهد ورود کند.

اینها دردهایی است که ما با آنها دست به گریبان هستیم، اگر مقام معظم رهبری از مظلومیت فرهنگ سخن می‌گویند و اینکه ناچار می‌شوند علیرغم سختی گفتن این جمله که من شب‌ها برای مسائل فرهنگی کشور خواب نمی‌آید، آن‌را به زبان بیابورند بخشی از آن متوجه این بی‌توجهی هاست. در حال حاضر دولت هفته‌ای دو تا چهار ساعت برای حل مسائل و مشکلات اقتصادی، زحمت می‌کشد، جلسه می‌گذارد و بحث می‌کند، اما مسائل فرهنگی ما که زیرساخت حل همان مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگ دینی مان است و کمتر از معضلات اقتصادی نیست، هیچ جایگاهی ندارد.

اگر هم شورای عالی انقلاب فرهنگی هر پانزده روز یک بار ۲ ساعت به مسائل فرهنگی و علمی بپردازد، بخش زیادی از آن به این اختصاص دارد که رئیس دانشگاهی را تعیین کنند که آن هم در جای خودش مهم است، بخشی هم به گزارش دهی اختصاص می‌یابد، اساساً سهم توجه به فرهنگ در مجلس‌ها و دولت‌ها کافی نیست و گرنه به طور طبیعی جامعه‌ای که فرهنگش تحت فشار تهاجم فرهنگی است باید حداقل هفته‌ای چهار ساعت در خود دولت علاوه بر شورای عالی انقلاب فرهنگی راجع به مسائل فرهنگی بحث شود و راهکار ارائه گردد، طبیعتاً در راهکارهای ارائه شده هم ایده پردازی‌های جدیدی صورت می‌گیرد، این نکته هم حائز اهمیت است که فرهنگ پیش از آنکه پول بخواهد ایده‌های جدید می‌خواهد، ما اگر خیلی از روش‌های انجام کارهای دولت را تغییر دهیم فرهنگ ارتقاء پیدا می‌کند و منابع آزاد می‌شود، اگر در هیئت‌های ما خیلی کارها انجام نشود عملکرد

هیئت بهبود می‌یابد، دین هم تقویت می‌شود. ما در این کشور، کارهای فرهنگی بیهوده و عبث کم نداریم، توجه داشته باشید منظور من این نیست که مسئله مالی مهم نیست، ممکن است یک جایی پول بخواهد، یک جایی هم پول آزاد شود، یک جا اثر کار فرهنگی در اقتصاد ظاهر می‌شود، یک جا در کاهش پرونده‌های قوه قضاییه، جایی دیگر هم در کاهش تنش‌های سیاسی، ما معتقدیم کار فرهنگی اگر درست انجام شود، یکی از پر بازده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی کشور هم هست، چرا این را می‌گوییم؟ چون اگر کار فرهنگی نکرده‌ایم، معضل اجتماعی پدید می‌آید، بعد باید زندان درست می‌کنیم، فرد را دستگیر می‌کنیم، به زندان ببریم و پول خرجش می‌کنیم، اینها برای ما مسئله است، اگر در ابتدای کار پول خرج نکرده‌ایم، باید در انتهای کار ده برابر خرج کنیم، بیماری ایدز چگونه شیوع پیدا می‌کند؟ در دور اول می‌گویند ۴۰۰ نفر در ایران ایدز دارند، بلافاصله ستاد تشکیل می‌دهیم و مرکز تحقیقات راه می‌اندازیم، چرا؟ چون ایدز مسری است، وقتی افراد ایدز گرفتند دیگر کاری نمی‌شود کرد، عین اینها معضلات فرهنگی کشور است، وقتی باورهای دینی نخبگان و تحصیل‌کردگان یک کشور به اندازه کافی تقویت نشد بعد شما باید تحت عنوان فسادهای سازمان یافته، میوه‌های این بی‌توجهی را بچینید، بعد افراد سرمایه‌گذار به این جمع بندی می‌رسند که چون ساختارهای نظام اداری فاسد است پس بهتر است کار تولیدی نکنند، ما در حوزه فرهنگ معضلات جدی داریم و فکر می‌کنیم که یک مشکل بزرگ مان این است که وقتی این حرف‌ها را می‌زنیم به جای اینکه هر کسی که این حرف‌ها را می‌شنود بگوید من به عنوان مداح چه نقشی می‌توانم ایفا کنم، من به عنوان روحانی یا برپا دارنده هیئت چه کار می‌توانم بکنم، اینها را که می‌شنود کم و کاستی‌های خود را توجیه می‌کند که پس علت اینکه مردم به هیئت نمی‌آیند این چیزهاست، من فکر می‌کردم ما درست غذا نداده ایم، خودش را تبرئه می‌کند، در حال حاضر این بیماری گریبان گیر ماست که با هر کسی که حرف می‌زنیم می‌گوید برو به بالا دستی بگو، ما کاره‌ای نیستیم، همه در این کشور به میزان تاثیرگذاری و نفوذشان مسئولیت دارند، همان طور که مداح، روحانی یا حوزه علمیه تاثیر دارند و باید به خدا پاسخ دهند، رئیس جمهور هم که در راس قوه مجریه است باید پاسخ‌گویی‌اش بیشتر باشد، یک وزیر در وزارت صنایع و معادن که مداخلتش در فرهنگ گسترده است باید جواب بدهد.

✚ به باور شما حکومت می‌تواند و باید نقش نظارتی و هدایتی در فرهنگ دینی داشته باشد؟

با ورود سازمان‌های مدرن از زمان ناصرالدین شاه قاجار، به تدریج حرف‌های غلطی در رابطه با مفهوم فرهنگ در اذهان ما وارد و کم‌کم مستقر شد، ما اول

باید این حرف‌های غلط را اصلاح کنیم، ببینید اصل مداخله در فرهنگ دست هیچ کس نیست، شما تکیه کلام‌هایی که استفاده می‌کنید، لباس‌هایی که می‌پوشید، سلام علیک‌ها، و احترامی که می‌گذارید یا نمی‌گذارید، همگی از صبح تا آخر شب در اشاعه فرهنگ یا ایجاد یک فرهنگ یا تخریب فرهنگی نقش ایفا می‌کند و ما به واسطه زبانی که استفاده می‌کنیم، لباسی که می‌پوشیم، نحوه رفتارمان و ... مسئولیت فرهنگی داریم، به همین دلیل مومن موظف است لبخند بزند، لباسش تمیز باشد، به مومن گفته‌اند در روی مومن نگاه کنی صواب دارد، به مومن گفته‌اند نماز را در مسجد بخوان، به خاطر همین تاثیرات فرهنگی است که باید تعاملات جامعه اسلامی زیبا و دوست‌داشتنی باشد، حال که این اصل را پذیرفتیم، بحث این است که ما باید برای بهبود فرهنگ جامعه خود چه کنیم؟ پاسخ این است که باید همین نقش‌ها که بخش اعظم آن‌ها خودآگاه است را شناسایی و اصلاح نماییم، این نقش‌ها لباس پوشیدن است، غذا خوردن است، سبک و سلوک مان در رانندگی است، میزان کار کردن یا کار نکردن مان در محیط اداری است، تعامل با مراجعه‌کنندگان مان است و ... اینها موضوعاتی‌اند که سازمان‌های فرهنگی ما موظف‌اند توجه آدم‌های غیر فرهنگی را به کارکردهای فرهنگی‌شان جلب کنند، اینطور نباشد که کسی که در سازمان صنایع و معادن کار می‌کند بگوید من که کار فرهنگی ندارم، کار فرهنگی مربوط به روحانیت است، روحانیت رسالتش این است که به همه بگوید شما کار فرهنگی دارید، حالا خدا نکند یک روحانی به دلیل اینکه اطلاعات و دانش کافی در مورد فرهنگ ندارد به یکی بگوید در این کارها دخالت نکن، این را به من روحانی واگذار کن، این غلط است، این فرد نمی‌تواند دخالت نکند، ذیل این اشتباه تاریخی بعضی وقت‌ها دولت‌ها می‌گویند بهتر است در فرهنگ دخالت نکنیم، ما می‌گوییم که دخالت دست شما نیست، شما نطق‌های رئیس جمهور یا حرف‌های وزرا را بشنوید، لازم نیست حتماً در وزارت ارشاد باشند، همه یک موقعیت گسترده اجتماعی دارند و یک سازمان بزرگ را اداره می‌کنند، روزانه که مردم به سازمان صنایع و معادن می‌آیند تا بر می‌گردند احساس‌شان به کلیت نظام یا بهبود پیدا می‌کند یا تخریب می‌شود، حال تو به عنوان وزیر صنایع و معادن مسئولیت داری که چند نفر متفکر را گردآوری و اتاق فکر تشکیل دهی، این اتاق فکر می‌تواند در سازمان باشد یا اگر مصلحت نیست بیرون از آن، بعد به این افراد ماموریت بده که کارکردهای فرهنگی وزارتخانه را شناسایی کنند و ببینند که کجا اثر مثبت هست که آن را تقویت کنند، یا کجا اثر تخریبی هست که حذف شود، اگر این اتفاق رخ داد اسمش می‌شود پیوست فرهنگی وزارتخانه شما، منتها اگر بخواهید در وزارتخانه پیوست فرهنگی تهیه کنید باید این فعالیت‌ها را تک‌تک بیابید، کوچک



اداره مان رشوه می گیریم، این مصیبت بزرگی است، همین ها که در تاسوعا و عاشورا سینه می زند بعضی شان همان هایی هستند که در طول سال کم کاری می کنند یا رشوه می گیرند، فساد می کنند و گناه می کنند، خب پیداست که ما در مدیریت فرهنگی مان مشکل داریم که نمی توانیم این عشق به امام حسین (ع) را به رفتار تبدیل کنیم.

آیا الگوی ایده آلی از فرم و محتوای آیین های سوگ و سرور وجود دارد که به آن استناد کنیم؟

باید در مراکز چون سازمان تبلیغات اسلامی، گروه های متفکر جامعه اعم از عزیزی که خودشان هیئت دارند را در کنار اندیشمندانی از حوزه و دانشگاه دور هم جمع کنند و این سوال را مطرح کنند که اگر خودتان بخواهید در صحنه اجرا، یک هیئت راه بیندازید چه کار می کنید و هیئت تان را چطور ساماندهی می کنید؟ اینها در ابتدا باید ذهن شان را از وضع موجود آزاد کنند، سپس با استفاده از همه مزیت هایی که این موضوع دارد الگو طراحی کنند، بعد اختلاف و فاصله آن ایده آل با وضع موجود را بررسی نمایند و بگویند مثلا در یک جلسه چقدر وقت مان را برای مداحی بگذاریم، چقدر برای سخنرانی وقت صرف کنیم، می شود در این فاصله تئاتر هم داشت، می توانیم از فیلم کوتاه استفاده کنیم، بنشینیم یا دسته سینه زنی داشته باشیم، اینها بسته به موقعیت های مختلف چه تغییر و تحولاتی کند، صدا و سیما در معرفی و تقاضا آفرینی این برنامه

و آثار تخریبی دارد اتفاق می افتد. جای بسی تاسف است که سازمان ها و نهادهای فرهنگی کشور به این موضوعات بی تفاوت اند، وگرنه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می بایست پنجاه درصد وقت خود را سراغ وزارت خانه ها و سازمان های غیر فرهنگی می رفت، مثلا به وزارت راه و شهرسازی مراجعه می کرد که شما دارید چه کار می کنید، ما آماده ایم با شما همکاری کنیم و نقش تان را اصلاح نماییم، سازمان تبلیغات اسلامی می بایست پنجاه درصد از وقت خود را صرف کمک به سایر نهادها کند، این سازمان باید برای تحقق این امر و کمک به نقش آنها افراد را دعوت کند و بگوید ما سالی چهار هزار طلبه برای تبلیغ اعزام می کنیم اما اینها نمی دانند وقتی گسیل می شوند، باید در نظام اداری برای اصلاح کارمندان چه بگویند، ما همان روضه ای را در اداره می خوانیم که بیرون می خوانیم، آیا نمی توانند برای این طلبه ها کلاس بگذارند و به آنها یاد بدهند که اگر به نظام اداری دعوت شدند، چه بگویند که موثرتر باشد؟ ما در حال حاضر به جای یک جریان علمی و کار فرهنگی عمیق و مستمر در طول سال، در تاسوعا و عاشورا نقطه های اوج داریم، همه در صحنه اند اما نمی توانیم از این نقطه های اوج برای راه اندازی آن جریان مداوم استفاده کنیم، پس چون نمی توانیم این کار را بکنیم، این نقطه اوج انرژی افراد را تخلیه می کند.

آقا که از شهرستان آمده و در تهران زندگی می کند، می گوید سالی دو سه روز می رویم ولایت یک سینه حسایی می زنیم، بعد از تاسوعا و عاشورا می آیم در

کنید و برایشان پیوست فرهنگی تهیه کنید، این وظیفه همگانی است، ما چه بخواهیم و چه نخواهیم در حال ایفای نقش در تحولات فرهنگی هستیم، پس باید این ناآگاهانه مان را آگاهانه کنیم، برای این کار هم طبیعتا باید سیاست گذاری کرد، به دنبال سیاست گذاری، برنامه ریزی، تخصیص منابع، تخصیص نیروی انسانی و بعد پیگیری و نظارت بر اصلاح امور پدید می آید، اگر این اتفاق از اول انقلاب تا به امروز افتاده بود هم اکنون ساختار اداری ما به عنوان یک ساختار مزاحم پیشرفت در ادبیات جامعه شناسان توسعه مطرح نمی شد، اینکه یکی از موانع توسعه اقتصادی و موانع تولید کشور ما، نظام اداری است یا اینکه یکی از موانع توسعه تولید در کشور ما، فساد اداری است دیگر بیان نمی شد چون همه وزارتخانه ها با فساد که در وزارتخانه خود متولد می شد مبارزه می کردند و جامعه اصلاح شده بود، اما متأسفانه تصور غلطی که از زمان ناصرالدین شاه جا افتاد این بود که وی در کنار وزارتخانه های مختلف، یک وزارتخانه صنایع مستظرفه هم ایجاد کرد تا این وزارتخانه در فرهنگ دخالت کند، در حقیقت این کار، فرهنگ را در حد ماموریت هایی که به آن وزارتخانه می دادند کوچک شد، بعد از انقلاب هم وقتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد ناخودآگاه کار فرهنگی به نمایشگاه کتاب، جشنواره فیلم فجر و غیره محدود شد و کل کار آن وزارتخانه همین شد، همین فرآیند است که باعث شده فرهنگ رها شود، نه به این معنی که کسی مداخله نمی کند، بلکه به این معنی که بسیاری از مداخله هایی که هدفمند نیست

ها چه نقشی ایفا نماید، دسته های فعال در روز عاشورا چه برنامه هایی داشته باشند که بعد از عاشورا ارتباط شان با فعالیت های دینی و نظام تبلیغ دینی قطع نشود و ... توجه داشته باشیم که اگر این ارتباط قطع شد، گناه در جامعه ریشه کن نمی شود، اینکه خداوند گفته در شبانه روز پنج بار نماز بخوانید به این جهت است که ما مرتب این تذکر را در ذهن داشته باشیم، نه اینکه بعد از مجلس وعظ و خطابه، همه چیز را رها کنیم تا بعد از سه ماه برسیم به ماه رمضان، بعد شش ماه دوباره رها کنیم تا برسیم به محرم و صفر، در شرایط امروز که لحظه به لحظه شیطان را از طریق ماهواره به خانه ما می فرستد و به گناه دعوت مان می کنند نمی توانیم با جلساتی شش ماه یک بار با این فرآیند مبارزه کنیم، ما هم باید تذکرات مان را نزدیک تر کنیم تا بتوانیم در مقابله با این تهاجم سنگین مبارزه نماییم.

✦ در خصوص مواجهه جریان نواندیش حوزوی و همچنین روشنفکری دینی با مساله عزاداری ها و برخی خرافات ترویج شده در جریان این مراسم ها پرسش این است که این مواجهه تا چه میزان در اصلاح این امور موثر بوده؟ آیا کوشش های نواندیشان و روشنفکران به شکل گیری گونه های جدیدی از مناسک مذهبی شیعیان انجامیده یا صرفاً در مدار سلبی و نفی باقی مانده است؟ به طور کلی علل موفقیت یا عدم موفقیت جریان های نواندیشی حوزوی و روشنفکری دینی در تغییر وضعیت عزاداری در ایران را چه می دانید؟

همیشه وقتی توقع ما از نهادها بالا می رود، آسیب شناسی هایمان هم بیشتر می شود، تئوریزه کردن دین، به روز سازی و آوردن آن در صحنه نظام تبلیغ دینی به عهده روحانیت است، یک بزرگوار مثل آقای مطهری متون اسلامی را می خواند و نظام حقوق زن در اسلام را می نویسد، این یعنی استخراج دین متناسب با نیازهای زمان که با بحث نظری همراه است، حال این کتاب دستمایه ای برای علما، منبریان و روحانیون است که آن را بخوانند و متناسب با مخاطب خود، ساده سازی و تبیین نمایند. متأسفانه در حال حاضر روحانیت این کار را متناسب با نیاز جامعه انجام نمی دهد، چرا! حرف های زیادی زده اند، بعضی هایشان آسیب شناسی هم کرده اند، یکی از عواملی که ما می توانیم به آن اشاره کنیم ولی آنها کمتر بدان پرداخته اند، این است که از آن طرف تقاضای جدی برای حضور روحانیت وجود ندارد، کفایت نمی کند که شما در خانه روضه خوانی کنید، اگر وزیر اقتصاد و دارایی به حوزه علمیه قم رفت و گفت ما می خواهیم میانی شهرسازی و مسکن سازی را با معیارهای اسلام مطابقت داده و اجرا کنیم، چند نفر بیایند و به ما کمک کنند، بعد هزینه کرد و مرکز پژوهش ها را راه اندازی نمود و از روحانیون خواست تا از نزدیک بیایند و محیط را ببینند

تا متوجه شوند که سوال و خواست شان چه ابعادی دارد، از آن طرف هم وزارت صنایع و معادن به سراغ روحانیت رفت و گفت ما کارگرا را به کارخانه ها یا محیط صنعت و کشاورزی می بریم، خسته شان می کنیم، بعد اینها به خانه شان بر می گردند و در خانواده با خلایبی روبرو هستند که نمی دانیم چیست ولی باید به کارگر کمک کنیم که در خانه آرامش داشته باشد تا در کارخانه باعث رشد و افزایش تولید شود، حال بیایید مطالعه کنید و بگویید ما الان باید چه کار کنیم، تکلیف چیست؟ این تقاضا اکنون نیست، چون فهم فرهنگی و احساس مسئولیت وجود ندارد، طبیعتاً این بزرگواران هم به قم رفتند و دور هم جمع شدند، شما در قم که باشید خیلی از واقعیت های جامعه را عملاً حس نمی کنید، نه اینکه نمی فهمید، یک بار هست از شما دعوت می کنند که به عنوان یک روحانی به کیش بروید یا گشتی در پاساژهای شمال شهر تهران بزنید، این تصویر فرق می کند با تصویر شهر قم که روحانی که از خانه بیرون می آید، از روبرویش یک روحانی دیگر بیرون می آید با هم به حرم می روند، بعد بر می گردند و در کوچه دوباره چند نفر روحانی را می بینند و می گویند خب الحمدلله همه چیز خوب است، چرا سیاه نمایی می کنید و به ظرفیت های جامعه بی توجه هستید؟ یا مثلاً فرد آموزش لازم را نمی بیند و به دانشگاه اعزام می شود، دانشگاه پانزده هزار دانشجو دارد، صد و پنجاه نفر جوان پشت سر او نماز می خوانند، از شما می پرسیم نسبت صد و پنجاه نفر به پانزده هزار نفر چند درصد است؟ با خودش می گوید در مسجد محله ما شش نفر جوان هم برای نماز به مسجد نمی آیند ولی در اینجا صد و پنجاه نفر جوان تحصیل کرده به مسجد آمده اند و می گوید خدا را شکر، کسی به او نمی گوید الان لااقل باید بین پنجاه تا هفتاد درصد از دانشجویان پشت سر تو نماز می خوانند، باید هفت هزار نفر پشت سرت می بودند که الان راضی شده ای به صد و پنجاه نفر، این روحانی را باید پیش از اعزام به دانشگاه آموزش می دادند که متوجه باشد کمیت معنادار است، نه اینکه مراسم اعتکاف را با پنجاه نفر دانشجو برگزار کنند و بعد مرتب بگویند خدا را شکر چه جوانانی پیدا می شوند، این پنجاه نفر به نسبت آن پانزده هزار نفر دانشجو که می شود سه دهم درصد.

دقت داشته باشید حرف هایی که ما نسبت به روحانیت می زنیم غیر از آن حرف هایی است که ضد انقلاب می زند، ضد انقلاب همه آسیب ها را برای نبودن روحانیت می زند، ما می گوییم نظام جمهوری اسلامی بدون روحانیت معنا ندارد، روحانیت باید عیب هایش گرفته شود و به سرعت در جریان های مختلف حضور وسیع اجتماعی داشته باشد. اساساً روحانی که در گذشته فکر می کند و شرایط امروز و فردا را حس نمی کند آسیب بسیاری به دین می زند، روحانی یعنی فردی نو اندیش که هم حال را می فهمد و هم فردا را و هم می داند که حرف تو باید چه اثراتی را داشته باشد و اکنون چه

اثراتی دارد و تو روش امتحان کردن اثر حرف هایت را می دانی، امروز به یک دکتر یاد می دهند که زمانی که به بیمار دارو می دهی چطور اثر دارویت را آزمایش کنی، یکی از بیرون قبلاً اثر این دارو را امتحان کرده، گفته این دارو را به بیمار بدهیم خوب می شود، دقت کرده اید گاهی دکتر می گوید فردا با من تماس بگیر، این را می گوید که ببیند تشخیص درست بود یا نه. یک روحانی باید برای ارزیابی منبر خود روش و متد داشته باشد، نه اینکه حرفش را بزند و برود، باید ببیند آن وقتی که صرف می کند نتیجه مطلوب دارد یا خیر، علاوه بر روحانی، یک نهاد بالادستی هم باید از این فرآیند حمایت کند که در واقع کمک به خود روحانی است، مثلاً سازمان تبلیغات اسلامی بگوید ما یک نظام ارزش یابی داریم که اگر شما در این سایت ثبت نام کنید بدون اینکه متوجه شوید مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرید، با برخی مخاطبین شما مصاحبه می کنند، بعد تحلیلش را به شما می دهند و می گویند اینجا بحث شما خوب بود یا این بخش از بحثتان متناسب با این محیط نبود، بعد به دست روحانی می دهند، دفعه بعد که روحانی به منبر رفت نتیجه این ارزیابی کمک شایان توجهی به او می کند. امیدوارم سازمان تبلیغات اسلامی در آینده نزدیک به یک چنین موقعیت هایی دست یابد.

✦ به نظر شما راهکاری عملیاتی و تجویزی وجود دارد که به لحاظ محتوا و فرم بشود این مجالس را به مسیر بهتری هدایت کرد و اصلاحی در روند جاری عزاداری ها پدید آورد؟

باید یک سیستم راه اندازی شود که طلاب بفهمند منبرشان دارد رصد می شود، یک نسخه از نتیجه ارزیابی را هم به خود آنها بدهند، این ارزیابی که منبرشان مورد ارزیابی قرار می گیرد باید از شرایط مخاطب آموزش و اطلاعات بگیرند، و اینکه ما باید برای محیط ها و فضاهای مختلف، روحانی تخصصی تعریف کنیم، عزیزی که به ساختار دولتی می رود باید یک مهارت داشته باشد، عزیزی که در هیئت ها حضور پیدا می کند یک مهارت داشته باشد، منبری که به دانشگاه می رود مهارت متفاوتی داشته باشد، روحانی که به نیروهای مسلح می رود هم از یک مهارت متفاوت بهره گیرد، این مهارت ها را هم اکنون می توان پس از سی و چند سال با بهره گیری از تجربه روحانیون موفق تدوین و تبدیل به کتاب کرد و از آنها تجربیات موجود را استخراج نمود، تبیین علمی و تبدیل به آموزش نیز مراحل بعدی این فرآیند هستند. در حال حاضر سی و هفت سال است که در نیروهای مسلح، روحانی حضور دارد، بعضی شان خیلی موفق بوده اند اما بعضی های شان خوب عمل نکرده اند، باید حرف های آن روحانی موفق را طبقه بندی و تبدیل به کتاب درسی کرد تا جدیدترها از آن استفاده کنند، این اصل قابل تعمیم به باقی اقشار مورد اشاره نیز هست. ■



گفت و گو با حجت الاسلام مهدی مسائلی پژوهشگر و نویسنده

درباره عزاداری ها تذکر نمی دهند

است که انسان از مصیبت‌هایی که به اهل بیت (ع) وارد شده است متأثر شود و این تأثیر اظهار بیرونی هم داشته باشد یعنی این تأثیر را به شکل‌های مختلف در بیرون هم نشان دهد. اما در بیشتر صورت‌های عزاداری که انجام می‌شود شاید این حزن درونی هم اتفاق نیفتد مثلاً در سینه‌زنی، صدای مداح و اشعاری که می‌خواند به سینه زنی افراد ریتم و هیجان می‌دهد در حالی که اصل سینه‌زنی این است که افراد تأثیر درونی خود را در بیرون هم به نمایش بگذارند. به صورت عرفی بیشتر کسانی که عمق معرفتی ندارند به این اشکال عزاداری تمایل بیشتری نشان می‌دهند. اما حقیقت این است که اصل آن را باید در نتیجه‌ای که عزاداری‌ها رقم می‌زند، دید. بسیاری از جوان‌های ما از همین عزاداری‌ها بهره می‌گیرند و عشق حسینی را در خودشان نهادینه می‌کنند. مثلاً در بحث مدافعین حرم، خیلی از جوانان به عشق اهل بیت (ع) و همراهی با امام حسین (ع) در این عرصه‌ها حضور پیدا می‌کنند. سال‌ها امتحان‌های زیادی جلوی پای ملت بود اما آنگونه که در انقلاب اسلامی و ایام دفاع مقدس دیدیم و یا در زمان حال شاهد هستیم، جوان‌هایی هستند که با بهره‌گیری از

می‌شود اما نسبت به ظرفیت‌های گسترده‌ای که عزاداری می‌تواند در جامعه اسلامی داشته باشد باز هم کم کار کرده‌ایم. به نظر من انتظاراتی که از عزاداری وجود دارد موجب شده عده‌ای این تلقی را داشته باشند که عزاداری‌ها به سمت ظاهرگرایی می‌رود و آسیب‌ها حتی بیشتر دیده می‌شود. در حالی که این آسیب‌ها قبل از انقلاب و در اعصار گذشته هم بیشتر وجود داشته است اما چون عزاداری در خدمت سیاست اسلامی نبود این انتظارات هم از آن کمتر بود و بُعد فردی عزاداری بیشتر نمود پیدا می‌کرد اما الان بُعد اجتماعی عزاداری بیشتر نمود دارد.

اما اگر به عزاداری‌ها توجه کنیم می‌بینیم که گریه کردن و زنجیر زنی طرفداران بیشتری دارد و مردم را بیشتر به سمت خود جذب می‌کند اما در مقابل پای منبرهایی که به دنبال بیان فلسفه عاشورا هستند را خلوت تر می‌بینیم.

بله این مساله از قدیم وجود داشته اما الان با آرایه‌های جدیدی هم عجین شده است یعنی بحث موسیقی در عزاداری مطرح است. در اصل معنای عزاداری این

فهمیده ابراهیمی: سنت عزاداری امام حسین (ع) در طول سالها دستخوش تحولات بسیاری شده و هر روشی که در این عزاداری به کار رود بی‌تردید به نام اسلام و شیعه نوشته میشود. حجت الاسلام مهدی مسائلی پژوهشگر دین و نویسنده در خصوص تأثیر تغییر و تحولات عزاداری گفت: در شبکه‌های ماهواره‌ای، سعی کردند مظاهری از عزاداری مثل قمه زنی که خشونت در آن برجسته است را در سطح جهان گسترش دهند و از قمه زنی به عنوان نماد عزاداری نام می‌برند. متن این گفت‌وگو را بخوانید:

شما تغییر و تحولات الگوهای عزاداری در ماه محرم و عاشورا طی دهه‌های اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا موافق هستید که شاهد گسترش ظاهرگرایی و افول محتوا هستیم؟

به نظر من بعد از انقلاب اسلامی تا حدودی محتوای اصلی در عزاداری‌ها بیشتر شده است. در واقع عزاداری‌ها بعد از انقلاب عمق بیشتری پیدا کرده است و به اهداف امام حسین (ع) بیش از عزاداری پرداخته

همین عزاداری در این عرصه ها حضور پیدا می‌کنند. بنابراین به نظر من این نتیجه گیری‌ها از عزاداری بیشتر شده است اما چون عمق معرفتی زیادی نسبت به ظرفیت عزاداری ایجاد نشده است بنابراین فکر می‌کنیم که در این زمینه پسرقت داریم در حالی که پیشرفت داشتیم اما این پیشرفت به مقدار انتظاری که از عزاداری وجود دارد، نیست.

پس آیا این نیاز احساس نمی‌شود که باید این آگاهی را نسبت به اجرای مراسم عزاداری بیشتر کرد و به عبارت دیگر معرفت افزایی در این زمینه صورت بگیرد؟

متأسفانه در بحث معرفت افزایی که در عزاداری امام حسین (ع) وجود دارد ما به صورت منفعل عمل می‌کنیم. یعنی معمولاً انحرافات و سمت و سوهای نادرست را بیان می‌کنیم اما در مقابل به جوان‌ها الگو نمی‌دهیم و کارهای مثبت ما کم است. چیزی را که در سیره مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر مشاهده کردم این است که در عین حالی که انحرافات و ظاهرگرایی در عزاداری‌ها مانند لخت شدن را متذکر شدند اما توجه داشتند که بعضی از مداحان و عزاداری‌ها را به صورت خاص تمجید می‌کردند که مثلاً این عزاداری‌ها هم شعر و نوحه خوانی و هم نحوه برگزاری‌اش خوب است و می‌تواند معرفت را انتقال دهد. پس این الگوها که خوب و معرفت افزا است را بیان کنیم و سعی کنیم اشعار را هم گسترش دهیم.

چرا در بحث معرفت زایی در عزاداری امام حسین (ع) منفعل عمل کردیم؟

متأسفانه متولیان دینی ما نمی‌توانند در این عرصه کاری کنند نه تنها کار سلبی در این مباحث انجام نمی‌شود بلکه محافظه کاری شدیدی هم صورت می‌گیرد و الگو دهی خاصی هم انجام نمی‌شود. مثلاً الان خیلی از متولیان دینی ما به بحث و نحوه برگزاری کنسرت انتقاد دارند اما در خصوص عزاداری که متولیان همین دینداران و علمای ما هستند هیچ دقتی وجود ندارند و تذکری هم داده نمی‌شود و بیشترین معضل از همین بحث محافظه کاری است که به صورت خیلی شدید وجود دارد و عده‌ای هم که پیش قدم می‌شوند به واسطه همین محافظه کاری‌ها کنار گذاشته می‌شوند که باعث می‌شود محافظه کاری شدت بیشتر پیدا کند.

پس با توجه به این تفاسیر و اشعار موهونی که می‌گوید گاهی شاهد آن هستیم آیا میتوان گفت عزادارهای ما از خط اصیل فاصله گرفته است؟

نمی‌توان همه عزاداری‌ها را اینچنین دانست. چراکه خیلی از عزاداری‌های ما پیشرفت داشته است. اما عزاداری لایه‌ها و طبقات مختلفی دارد بعضی از طبقاتی که عزاداری در آن برگزار میشود این انحرافات بیشتر

شده است و حتی میبینم که به صورت سازماندهی شده در خدمت دشمنان اهداف امام حسین (ع) قرار گرفته است. مثلاً در شبکتهای ماهوارهای، سعی کردند مظاهری از عزاداری مثل قمه زنی که خشونت در آن برجسته است را در سطح جهان گسترش دهند و از قمه زنی به عنوان نماد عزاداری نام ببرند. در واقع تاکیدشان بیشتر روی شور و احساس است و سعی میکنند به واسطه عزاداریها یک تقسیم بندی در میان شیعیان به وجود آورند یعنی هیاتی که در آن اینگونه کارها صورت میگیرد و هیاتی که این کارها را انجام نمیدهد. شبکه های معروف تر در این قضیه که در لندن هستند مثل شبکه فدک و اهل بیت که همین جهت گیری را دنبال می‌کنند یعنی یکی از پایه های تبلیغاتی که سعی می‌کنند مخاطبین را به سوی خود جذب کنند استفاده از گناهان عزاداری است که مقبول نیست و حتی مقابل آرمانهای سید الشهداء قرار دارد. شاید مثلاً قبل از انقلاب انحرافات، بیشتر مردمی بود یعنی مردم به دلیل عدم معرفت این کار را انجام می‌دادند اما الان افکاری پشت سر این هدایت و این شکل عزاداری وجود دارد که اینها را به نحوی در مقابل تفکر اصیل و سیاسی امام حسین (ع) که در مقابل یزید و یزیدیان قرار گرفت، هدایت و سازماندهی می‌کند. انحرافات شدت گرفته است اما از سوی دیگر رویکرد اصلاحی هم نسبت به قبل پیشرفتهای خیلی زیادی داشته است و تعداد هیاتهایی که در راستای اهداف امام حسین (ع) قدم بر می‌دارند نسبت به قبل بیشتر شده است.

به باور شما سیاست گذاریهای فرهنگی نهادهای دولتی و حکومتی تا چه اندازه در خط سیر و تغییر تحول اشکال عزاداری در ایران موثر بوده است؟

ما نمی‌گوییم که دولت عزاداری‌ها را مدیریت کند چراکه قابل مدیریت نیست اما حمایت از عزاداری‌های اصیل که مطلوب و مقصود است وجود ندارد. مقصود من تاکید روی بحث های اثباتی قضیه است که وجود ندارد و باید یک مقدار حمایت‌ها از این جهت بیشتر شود.

چگونه باید این مباحث را حل کرد و در این جهت قدم برداشت؟

رویکرد ما به عزاداری و انحرافات عزاداری اینگونه است که نزدیک ماه محرم که میشود به یادش می‌آید - افتیم که چگونه آنها را اصلاح کنیم. درحالی که باید تشکلهای دائمی ایجاد شده و در طول سال پیگیری شود مانند کاری که بنیاد دعبل انجام می‌دهد. از سوی دیگر باید روی این مباحث مطالعه صورت بگیرد و نقاط قوت و ضعف را با مطالعه استخراج کرد و نتیجه را به صورت عملیاتی تعریف کرد که چه کارهایی می‌توان انجام داد تا انحرافات حل و فصل و معرفت افزایی در

عزاداریها بیشتر شود.

به نظر می‌رسد که در محتوای روضه‌ها و نوحه‌هایی که در عزاداری‌های محرم رواج دارد، نهادهای سیاست‌گذار حکومتی در تلاش برای پالایش محتوا بوده‌اند، اما از جانب اقشار مذهبی هوادار این گونه روضه‌ها و مرثیاتی، نوعی مقاومت و بی‌توجهی نسبت به این سیاست گذاری‌ها وجود داشته‌چرا؟

یک مقداری از این مقاومت‌های مردم به خاطر تحریک‌هایی است که وجود دارد و کسانی که منتفع هستند و از این مباحث استفاده می‌کنند مردم را تحریک می‌کنند که مقاومت به خرج دهند و در مقابل اصلاحات ایستادگی می‌کنند. بحث دیگر این است که رویکردهای تبلیغی درستی در بیان قضایا انتخاب نمیشود. رویکردهایی که ما حتی میتوانیم غیر مستقیم به مردم بیان کنیم و یا اینکه از ابزارهای چند رسانه ای استفاده کنیم و به مردم بازگو کنیم در عین حال که مباحث سلبی بیان می‌شود، به مباحث اثباتی هم تاکید شود و قبل از هر اقدام سلبی یک تاکید بر عزاداری و جهات مثبت هیات‌هایی که انحرافات دارند داشته باشیم. ما اگر ابتدا بیاییم مباحث سلبی هیات‌ها و انحرافات را بیان کنیم طبیعتاً با موضع گیری همراه می‌شود پس باید چند قدمی با آنها پیش برویم و نقاط مثبت را تقویت و در عین حال نقاط منفی را اصلاح کنیم.

در خصوص مواجهه جریان نواندیش حوزوی و همچنین روشنفکری دینی با مساله عزاداری‌ها و برخی خرافات ترویج شده در جریان این مراسم‌ها پرسش این است که این مواجهه تا چه میزان در اصلاح این امور موثر بوده؟

جریان نواندیش هم متأسفانه تاحدودی همین بحث محافظه کاری را در بعضی از جهات پیش گرفته است. هنوز بعد از سال‌ها کتاب‌هایی که در مورد انحرافات عزاداری نوشته می‌شود باز نویسی و تکرار سخنان شهید مطهری است. شهید مطهری در نوشتن این کتاب جسارت خیلی زیادی را به خرج داد که حتی در سالهای اخیر میبینیم از جهات مختلف به شهید مطهری حمله میشود اما یکی از جهات عمده ای که ایشان را مورد حمله قرار می‌دهند و الان هم شدت پیدا کرده این است که با تخریب شهید مطهری کسی نتواند آن مسیر را دنبال کند. بعد از انقلاب مطالب زیادی وارد عزاداری‌ها شده است و این مایه تأسف هست که مقام رهبری در زمینه های حساس هشدار دهند. اگر علمای بلاد و کسانی که روشن بین هستند و دغدغه‌ها را می‌فهمند زمینه را فراهم کنند، شاید نفوذ کلام رهبری تاثیر بیشتر داشته باشد. ■



گفت‌وگو با خانم طاهره همیز، استاد حوزه و دانشگاه

مداحان مراقب بیماری عجب باشند

می‌بایست مورد توجه و عنایت خاص مدحین قرار گیرد، متأسفانه اقبال مردم به مداحان خوش صدا و خوش اجرا به گونه‌ای است که عقبه دنیا را برای این افراد به دنبال دارد.

مدحین به حدیث سوم این کتاب هم در مورد عجب عنایت ویژه داشته باشند، متأسفانه کسانی که مورد استقبال مردم قرار می‌گیرند دچار بیماری عجب می‌شوند، البته توجه داشته باشید که انسان‌های مومن به این عارضه دچار نمی‌شوند، امام در این کتاب می‌فرمایند که مومنینی که یک مقدار از راه را پیموده‌اند پس از اندکی طی طریق دچار این بیماری می‌شوند و سقوط می‌کنند، من هم متأسفانه این معضل را در بین چند خانمی که به بنده مراجعه کرده بودند و همسرشان مداح بودند مشاهده کردم و متأسفانه می‌دیدم که این افراد با ابتلا به این بیماری در حال سقوط‌اند، موردی که سبب طلاق یکی از این خانم‌ها از همسر مداح خود شد. لذا در آغاز، خودشان مهم هستند، قرآن می‌فرماید «قُوا أَنْفُسَكُمْ، أَهْلِكُمْ نَارًا»، اول خودشان باید به سعادت برسند بعد برای قرار گرفتن در این مسیر آماده شوند. همانطور که شاعر می‌فرماید «گر مرد رهی میان خون باید

لاهوری که از شعرا و عرفای برجسته پاکستانی است اشاره کنم، شهید مطهری که در زندگی اقبال تحقیق و پژوهش کرده بود می‌گفت اقبال بسیار اهل تدین و معرفت بود، وقتی کسی بتواند برخی کمالات را در حیات خود اکتساب کند، خداوند هم برخی عنایات ویژه بدو خواهد کرد تا کلامش را به گوش دیگران نافذ کند، بنابراین توصیه من در وهله نخست، تلاش برای طهارت نفس است، یعنی مسیری که مداح در آن از سه عالم وجود انسان و سه علمی که این عالم را رشد و تعالی می‌دهد آگاه گردد، دقت کنید که این بحث، موضوع حدیث ۲۴ کتاب چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) است، که امام در آن حدیث مختصراً اشاره کرده‌اند که مداح باید هم عالم جسم و هم عالم خیالش مطابق دستورات الهی به تعادل برسد تا تمام خلاقیت‌های شعری وی تحقق پیدا کند. متأسفانه عالم خیال در تصرف شیطان است و شیطان القائاتی می‌کند که خیلی از انسان‌های قوی هم قدرت تشخیص آن را ندارند، پس مداح باید در مسیر طهارت نفس، در عالم عقل و حقیقت به قدرتی برسد که معارف را به حقیقت دریافت کند. حدیث شماره ۶ این کتاب نیز که بحث حب دنیاست

رضا دستجردی: خانم طاهره همیز، استاد حوزه و دانشگاه است و در کنار این‌ها به افراد مشاوره هم می‌دهد. او با معارف دینی آشناست و از طرفی با جوان‌ها هم در ارتباط است و از نزدیک فضای مداحی را می‌شناسد. با او درباره وضعیت مداحی‌ها به گفت‌وگو نشستیم.

✚ به باور شما چه باید کرد که مداحی و ستایش‌گری اهل بیت در مسیر رضای الهی و اهل بیت باشد؟

کسی می‌تواند در مسیر رضای الهی کار کند که خدا وجودش را پسندیده و عنایت‌های خود را به او عطا کند، چون آنچه را که ما انجام می‌دهیم، یا برخاسته از نفس‌مان است و یا برخاسته از لطف الهی. در معارف اسلامی آمده که «و انا اقول للاشیاء کن فیکون و انت تقول للاشیاء کن فیکون». این حدیث قدسی می‌فرماید «من به هر چیزی فرمان دهم خواهد شد، تو را نیز چنان می‌کنم که به هر چه فرمان دهمی انجام پذیرد»، بر این اساس می‌توانیم بگوییم اولین کاری که هر مداح می‌بایست انجام دهد طهارت نفس است. اجازه دهید در این ارتباط به علامه اقبال

رفت / وز پای فتاده سرنگون باید رفت، تو پای به راه در نه و هیچ مپرس / خود راه بگویدت که چون باید رفت».

✚ به اعتقاد شما يك مداح چگونه می تواند در هنر و پیشه خود گفتمان سازی کند؟

مداح برای آنکه بتواند به ساحت گفتمان سازی برسد باید به مطالعات حاشیه ای پیشه خود عنایت داشته باشد، همچنین بر شبهات منتشر شده از سوی تهاجم فرهنگی که امروزه در بین مردم به شدت در حال رواج است مشرف بوده و پاسخ آنها را هم بداند. من بررسی و مطالعه وبسایت پرسمان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها را در طی این طریق بسیار موثر و کاربردی می دانم، دست اندر کاران این وبسایت چند سالی است که به شبهات مطرح در میان افکار جامعه پاسخ می دهند، در این منبع و دیگر مراجع مشابه به نکات و مطالبی اشاره شده که مداح باید آنها را بداند تا در موضوعات مختلف به راحتی در میان مردم مانور دهد و به طرح بحث بپردازد، مردم هم وقتی بدانند مداح حرف شان را می فهمد بهتر سخنانش را گوش می دهند.

یادم می آید که در زمان جنگ، آقای آهنگران اشعاری را می خواندند که به دل خیلی ها می نشست، حتی به خاطر دارم که یک بار صدام گفت «بلبل خمینی را کشتیم»، فکر می کرد که اگر این خبر را بدهد وقفه ای در نبرد جناح مقابل خود ایجاد خواهد کرد، یعنی تا به این حد وجود این مداح برای او سخت بود و بدین طریق می خواست با شایعه کشته شدن او در میان مردم تزلزل به وجود آورد. من بعدها طی دیداری که با یکی از علمای جلیل القدر به نام آقای مولوی در مشهد داشتم متوجه شدم که آقای آهنگران بخشی از اشعار آثار خود را از کتاب های این فرد که در مورد ولایت بسیار می دانست اخذ کرده است، قصد من از اشاره به این نکته رسیدن به این حقیقت بود که مداح می بایست مطالعات خود را پیرامون ولایت و جایگاه آن در نظام آفرینش بسیار تعمیق بخشد. من همیشه بر این اعتقاد بوده ام که مادحین در صورت ارتباط با علمای ربانی است که می توانند به موفقیت در هنر خویش نائل آیند، اما اگر هم به راحتی به عالم ربانی دسترسی نداشتند، ماهی یک بار یا سالی یک بار نیز به او مراجعه کنند کفایت می کند، این مسیری است که سبب می شود مداح از دریای علم عالم ربانی در خصوص ولایت در مداحی خود استفاده نماید.

مداح می بایست در محتواسازی، علم و دانش خود را بسیار بالا ببرد، و همانطور که پیش از این نیز اشاره کردم به علاوه تهذیب نفس همراه با ملاقات با عالم ربانی بر این محیط احاطه پیدا کند. به باور بنده، مطالعه برخی کتاب ها هم به افزایش دانش و آگاهی مداح یاری می رساند، نمونه آن کتاب

امام شناسی استاد محمد حسین تهرانی طباطبایی است که به مداح در آشنایی با افکار مرتبط با بحث ولایت یاری می رساند، کتاب معادشناسی ایشان نیز بسیار مهم و حائز اهمیت است، این کتاب که محصول سخنرانی های ایشان در ماه مبارک رمضان است مشتمل بر داستان ها و مصداق هایی است که خواننده با مطالعه آنها، دیگر مطالب آن را فراموش نمی کند، کتاب دیگری که من در این حوزه به مداحان پیشنهاد می کنم بحر المعارف اثر عبدالصمد همدانی است که به وجود، کمالات و علم ائمه اطهار پرداخته است، کتاب تفسیر البرهان تالیف علامه سید هاشم بحرانی نیز که تفسیر قرآن است و جایگاه ائمه در قرآن را به روشنی به مخاطب عرضه می دارد نیز حائز اهمیت خاصی است، در انتها، مطالعه کتاب تفسیر ابراهیم کوفی با عنوان فرات کوفی که به بررسی جایگاه ائمه اطهار در جای جای آیات قرآن پرداخته را نیز پیشنهاد می نمایم.

شاید با ذکر مثالی، لزوم مطالعه این کتب برای مداحان بیش از پیش آشکار گردد. در ذیل آیه دوم یا سوم سوره انشقاق، به حدیثی از حضرت محمد (ص) اشاره شده با این مضمون که زمانی که حضرت در مکه بودند از غار حرا به خانه می آیند و در غیاب حضرت علی (ع) بی تابی می کنند، حضرت خدیجه (س) می فرمایند خودتان ایشان را پی ماموریتی سه روزه فرستادید، با این حال پیامبر که بسیار بی تاب بودند در حدیثی می فرمایند که خدا سه چیز در دنیا و سه چیز در آخرت به حضرت علی (ع) داده است، که فارغ از اشاره به حدیث، یک بخش از آن، بدان جهت برای من مهم است که مداحان آن را بالای منبر غلط می گویند، در این حدیث آمده که ۳۴ مرد به منزل حضرت علی (ع) حمله می کنند، در حالی که من شنیده ام بالای منبر عدد ۴۰ یا ۱۰۰ مرد را هم به زبان آورده اند، سوال من این است که در خانه کوچک حضرت علی (ع) چطور ۱۰۰ مرد جای می گیرند؟ اینها غلو است با هدف تحت تاثیر قرار دادن مخاطب. اگر مداح به عنوان مثال، تفسیر کوفی را بخواند به راحتی اسرار صحیح پیرامون زندگی ائمه را در می یابد.

نکته دیگری که حتما برای مخاطب شما هم جالب است آنکه در دعای علقمه که قرائت آن همراه با زیارت عاشورا بسیار سفارش شده آمده که «یا سَمِکَ الَّذِی جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ بِه حَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِیْنَ»، من خدا را قسم می دهم به اسمی که نزد شما گذاشته که احدی ندارد، یعنی حتی انبیای اولوالعزم هم ندارند. یک روز سلمان به پیامبر (ص) گفت یا رسول الله تو برتری یا جبرئیل که بر تو نازل می شود؟ پیامبر فرمودند همه انبیا از جبرئیل برترند و من از همه انبیا برترم و علی برادرم از همه انبیا برتر است، ما نمی توانیم این اصل و حقیقت را به سادگی برای مردم بگوییم و جا بیندازیم، ولی وقتی بگوییم که

این مطلب در دعای علقمه آمده مردم می خوانند و می پذیرند. خلاصه کلام من با ذکر چند عنوان کتاب و اشاره به برخی نکات آن است که انشالله مداحان بتوانند محتوای اشعار خود را از این معارف بگیرند و خداوند هم حتما کمک شان خواهد کرد.

✚ به اعتقاد شما مداح چگونه می تواند از انحراف در پیشه خود جلوگیری کند؟

ما پیرامون اوصاف ائمه علیهم السلام باید بسیار مراقب باشیم که نه حق آنها را مخفی کنیم و نه اینکه غلو نماییم، امامان در همه جا غلوکنندگان را لعنت کرده اند، چون غلوکنندگان به گونه ای حرف می زنند که مخاطب در حرف شان شک می کند و تاثیری بر او نمی گذارد. همچنین برخی از مادحین متأسفانه با هدف وحدت شیعه و سنی، ائمه را در سطح صحابه پایین می آورند، در صورتی که ما در درون خود عزیزان سنی مذهب، حضرت علی (ع) را بی نظیر در علم و دانش می دانیم. نکته دیگر آنکه متأسفانه امروزه بسیاری از اشعار در مضامینی چون چشم و ابرو و قد و بالا محدود شده است، خب اینها امتیاز خاصی برای ائمه نیست، بیابیم به این فکر کنیم که چطور می توانیم با استفاده از راه های دیگر مخاطب را جذب کنیم، مثلاً من تا به حال در هیچ منبری در مورد حضرت عباس (ع) آن جمله ای را نشنیده ام که ایشان زمانی که به آب رسید به زبان آورد. آنگاه که حضرت دست شان به آب رسید فرمودند «ای نفس بعد از حسین زنده نباشی»، حضرت در آن موقعیت با نفس خود مبارزه می کند ولی هیچ مداحی این را نمی گوید، حضرت منزلتی دارند که امام صادق (ع) در توصیف ایشان می فرمایند در روز قیامت عمومی از درجای برخوردار است که همه شهدا به آن غبطه می خورند، اشاره به این ویژگی ها از زندگی بزرگان بسیار والاتر از گفتن خصایصی چون چشم و ابروست، گفتن اینها انحراف است، باید در توصیف ایشان به جای اشاره به ظواهر، از کمالاتی گفت که حضرت در کنار امام کسب کردند، باید در منابر گفت که حضرت، مرد قدرتمندی بود که در شمشیرزنی نظیر نداشت، ولی با وجود آنکه اجازه شمشیر به او نداده بودند حتی یک لحظه هم گله نکرد، اینها چیزهایی است که من تا به حال پای منبرها نشنیده ام.

نقش خود شما به عنوان یک رسانه را هم نباید فراموش کرد، شما باید از مردم بخواهید مداحی هایی که این نقاط تاریک را دارند به شما معرفی کنند، خود همین کار باعث می شود خیلی ها بیشتر مراقبت کنند. این وظیفه رسانه هم هست که مداحانی که بسیار پر طرفدارند ولی مداحی شان بسیار بی محتواسازانه است را معرفی کنند تا افکار عمومی خود، اینها را کنار بگذارند. ■



حجت الاسلام والمسلمین ابوالفضل موسویان

محتوا را فدای ظواهر کردیم

✚ به خرافات اشاره کردید بیشتر در این باره توضیح دهید که این خرافات در چه جهاتی صورت گرفته است؟

خرافات در عزاداری‌ها را در جهات مختلف شاهد هستیم اعم از بخشش گناهان و اینکه آن را حتی بر دیگر مسایل اصل گرفتیم. یعنی مساله عزاداری برای ما مهمتر از آموزش‌های دینی شده است. به گونه‌ای تبلیغ کردیم که اگر کسی این عزاداری را داشته باشد ولو اینکه چیزی نداند ارزشش بالاتر از کسی است که فلسفه آن را می‌فهمد. درحالی که در روایات و آیات ارزش علم و عالم بسیار بیان شده است حتی ائمه بارها فرمودند ما به سبب جهل و نادانی مردم آسیب دیدیم. حتی همین دوستان خودمان و کسانی که علاقمند به ائمه هستند با عملکرد اشتباه و غلط خود گاهی به دیانت هم ضربه زدند. اگر مردم آگاه نباشند حتی ممکن است به ظاهر در صدد تقویت دین باشند اما در اصل به ضرر دین عمل میکنند. این جهات باید مد نظر قرار بگیرد یعنی بدانیم که فهم، شعور و آگاهی، بیشتر مورد تاکید دین است تا اینکه بخواهیم صرفاً به همین ظواهر اکتفا کنیم. اما

از قیام امام حسین (ع) بگیریم و در جامعه ما تحقق پیدا کند، زنده شدن روحیه حسینی و مبارزه با ظلم و ستم است در حالی که در برنامه های عزاداری ما به این مباحث کمتر پرداخته می‌شود و متأسفانه نهضت امام حسین (ع) به پخش غذا و نذری و دیگر کارها خلاصه شده است. خرافات هم در این قضایا نقش بسیاری دارد که مردم را به خرافات کشاندند و گویا مردم هر کاری کنند می‌توانند با عزاداری برای امام حسین (ع) نامه اعمال سیاه خود را پاک کنند. یعنی یک نوع بهشت فروشی در بین ما به وجود آمده و همانند کاری که کلیسا انجام می‌داد را ما الان انجام می‌دهیم و بهشت را می‌فروشیم. در حالی که امام حسین (ع) در لحظات مختلف مبارزه، بر اصول خود تاکید می‌کرد و حتی در آخرین ساعات عمرش نماز را برپا کرد. اما ما عزاداری امام حسین (ع) را در حالی برگزار می‌کنیم که واجباتمان ترک و بعضی کارهای خلاف شرع هم صورت می‌گیرد که این گونه کارها، خلاف آن چیزی است که امام حسین (ع) به خاطر آنها جان خود را فدا کرد.

شور و اشتیاق مردم به مناسک عزاداری به حدی است که آنها را با هر سختی به میدان می‌آورد اما کم می‌بینیم پای منبری که از فلسفه عزاداری و قیام امام حسین (ع) می‌گوید پر شود. حجت الاسلام والمسلمین ابوالفضل موسویان عضو هیات علمی دانشگاه مفید قم می‌گوید: فهم، شعور و آگاهی، بیشتر مورد تاکید دین است تا اینکه بخواهیم صرفاً به همین ظواهر اکتفا کنیم. اما این مساله بیشتر ترویج می‌شود کسی که بیشتر عزاداری می‌کند نسبت به کسی که به جامعه آگاهی می‌دهد، ارزش بیشتری دارد.

✚ شما تغییر و تحولات الگوهای عزاداری در ماه محرم و عاشورا طی دهه های اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا موافق هستید که شاهد گسترش ظاهر گرایی و افول محتوا هستیم؟

من هم این مساله را قبول دارم. باید گفت در عزاداری های خود به ظواهر بیشتر توجه کردیم. توجه به ظواهر اشکالی ندارد ولی در واقع ما محتوا را فدای ظواهر کردیم. امروز دری که باید

همانطور که گفتیم متأسفانه این مساله بیشتر ترویج شده که آنهایی که بیشتر عزاداری می‌کنند نسبت به کسانی که به جامعه آگاهی می‌دهند ارزش بیشتری دارند.

✦ چه عاملی باعث می‌شود مردم به ظاهر گرایشی علاقه بیشتری داشته باشند. آیا روش مداحان در ترویج این کار موثر بوده یا خود مردم اینچنین می‌خواهند؟

به طور طبیعی افراد خودشان گرایش به این مساله دارند. یعنی هر کسی بخواهد به شخصی مسوولیت دهد و شخص را وادار به کاری کند خیلی طرفدار ندارد در حالی که اگر کسی بخواهد مسوولیت را از دوش مردم بردارد، طرفدار بیشتری پیدا می‌کند. بسیاری از افراد دوست دارند بگویند ما طرفدار و دوستدار امام حسین(ع) هستیم ولی در عوض مسوولیتی هم نداشته باشند یعنی مسوولیت نباشد و در عین حال خود را طرفدار حق بدانند. در صورتی که ما می‌دیدیم در گذشته کسانی که طرفدار امام حسین(ع) بودند مشکلات زیادی را هم تحمل کردند. بنابراین کار آنها ارزش داشت یعنی کسانی بودند که به راستی می‌خواستند طرفداری کنند و از عهده مشکلاتی که هست برآیند. در روایات داریم که مردم امر به معروف و نهی از منکر را مردم تا وقتی که مشکلی نداشته باشد انجام می‌دهند اما همین که احساس کنند مشکلی وجود دارد آن را کنار می‌گذارند. کما اینکه بدانند نمازشان روزی برایشان مشکل ایجاد می‌کند آن را نیز ترک می‌کنند. ذاتا اینگونه گرایش وجود دارد ولی کسانی که متولی امور مذهبی هستند و آنهایی که در رابطه با امام حسین(ع) فعالیت می‌کنند باید مردم را با اهداف آشنا کنند تا افرادی که می‌خواهند به اینصورت خود را خلاص کنند و بگویند امام حسین(ع) را قبول داریم ولی از سوی دیگر کارهای خلاف خود را ادامه می‌دهند، آگاه شوند.

✦ متولیان امور مذهبی چقدر در این راستا که گفتید عمل کردند؟

نه متأسفانه این کار آنچنان که شایسته است انجام نمی‌شود حتی برخی از منبری‌های ما هم آتش بیار همین معرکه هستند یعنی تفاوت زیادی با برخی مداحان که افکار غلط را در بین مردم ترویج می‌دهند، ندارند.

✦ چرا؟

این مساله هم شاید به همین دلیل است که مردم افرادی را که از آنها رفع مسوولیت کند را بیشتر دوست دارند. به گفته شهید مطهری مجوز صادر

کند که شخص هر کاری که بخواهد انجام دهد و اگر برای امام حسین(ع) گریه کند تمام گناهانش بخشیده می‌شود! پس هر کسی این حرف را بزند مردم مرید او می‌شوند ولی اگر کسی هدف قیام امام حسین(ع) را بیان کند چون برای مردم مسوولیت درست می‌کند کسی طرفدار او نیست و طبیعتا خیلی پای منبر او نمی‌نشینند.

✦ پس به نظر شما اگر دیدی پژوهشگرانه داشته باشیم می‌توان گفت عزاداری ما از آن خط اصیل فاصله گرفته است؟

این قضیه مربوط به زمان حال نیست بلکه از قدیم وجود داشته است که یک عده ای دنبال این قضیه بودند یعنی از عزاداری امام حسین(ع) برداشت غلطی کردند حال چه تعمداً و چه بر اثر نادانی چنین تصویری به وجود آمد. در گذشته هم چنین بود که اینگونه ترویج می‌کردند فضیلت کسانی که عزاداری می‌کنند ولو اینکه زندگی آنها با امام حسین(ع) تطبیقی پیدا نمی‌کند، بیشتر است.

✦ به باور شما سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نهادهای دولتی و حکومتی تا چه اندازه در خط سیر و تغییر و تحول اشکال عزاداری در ایران موثر بوده است؟

بله به نظر من مهمترین نقش را در این قضیه صدا و سیما ایفا می‌کند یعنی صدا و سیما در داغ کردن همین نکته بسیار موثر بوده است. سخنرانی‌ها و عزاداری‌های صدا و سیما در سطح کشور و بین الملل پخش میشود و برخی به دنبال جوی هستند که وجود دارد و می‌خواهند بگویند ما هم همراه با جامعه و مردم هستیم. حتی بعضی از سخنرانی‌هایی که از رسانه ملی پخش می‌شود بسیار سطحی و سخیف است. صدا و سیما که تربیون رسمی کشور است اگر سخنران‌ها را محدود به افرادی کند که فهم و آگاهی‌شان مشخص است و می‌دانند چه می‌گویند قطعاً تاثیر بهتری خواهد داشت. یا مثلاً سخنرانی و مداحی بعضی از کسانی که مورد قبول مردم نیستند درست نیست زیرا مردم با دید منفی به آنها نگاه می‌کنند و طبیعتاً وقتی آن سخنران و مداحی پخش شود تاثیر منفی در بین مردم خواهد داشت.

✦ به نظر می‌رسد در محتوای همین روزه خوانسی‌ها نهادهای سیاستگذار حکومتی تلاش برای پالایش می‌کنند ولی از جانب مردم مقاومت وجود دارد.

این مقاومتی که گفتیم منحصر به امروز نیست بلکه از گذشته وجود داشته یعنی عده‌ای می‌خواستند از

جریان‌های عاشورا چنین برداشت‌هایی داشته باشند حال اینکه سطح فهمشان پایین است یا اغراض دیگری دارند، نمی‌دانم. اما بزرگان دینی و مذهبی و خصوصاً تربیونی که امروز در اختیار این جریان قرار می‌گیرد و می‌خواهد مذهب شیعه را به جهان نشان دهد باید مراقب همین حرکات باشد و نباید تحت تاثیر این جو سازی‌ها قرار بگیرد. ما که نمی‌توانیم تمام اصول خود را به خاطر سلاقی عده‌ای زیر پا بگذاریم. بنابراین باید بر اساس همان اصولی که شناخته شده و درست است این مطالب را پخش کرد ولو اینکه عده‌ای هم ناراحت باشند. به عنوان نمونه گاهی ولادت امامی با قولی که امام دیگری در این روز از دنیا رفته است مصادف می‌شود و ما عزاداری را در آن روز ترجیح می‌دهیم و عزاداری برای ما مهمتر می‌شود. این یک نوع فرهنگ سازی در جامعه ما است و شاید یک علتی اینکه جامعه ما آن جامعه شاد که خلاقیت داشته باشد و کارهای را درست پیش ببرد نیست چراکه با این کار ترویج غم و ناراحتی می‌کنیم. در فرهنگ دینی آنچه داریم بیشتر عزاداری برای امام حسین(ع) است اما اینکه به هر مناسبتی دهه و هفته درست می‌کنیم کار درست نیست. حداقل صدا و سیما باید به آن اصولی که مد نظر و مورد تایید بزرگان دین است تکیه و توجه کند و در دام چنین افکاری که یک عده عوام دارند قرار نگیرند.

✦ در خصوص مواجهه جریان نواندیش حوزوی و همچنین روشنفکری دینی با مساله عزاداری‌ها و برخی خرافات ترویج شده در جریان این مراسم‌ها پرسش این است که این مواجهه تا چه میزان در اصلاح این امور موثر بوده؟

آنها در سطح خودشان کارهایی انجام می‌دهند اما چون تربیون‌های رسمی در اختیارشان نیست طبیعتاً نمی‌شود انتظار حرکت فرهنگ سازی که باید در سطح جامعه وجود داشته باشد را از آنها داشت. به نظر می‌رسد این جریان در این جهت موفق نیست و نمیتواند دیدگاه خود را در سطح جامعه گسترش دهد.

✦ پس چه باید کرد صرف اینکه امکانات در اختیار جریان نواندیش نیست آیا مشکلی را حل می‌کند؟

بله نباید بیکار بنشینند باید تلاش کنند ولی بالاخره باید قبول کرد که آن امکاناتی که طرف مقابل دارد در دست اندیشمندان نیست و طبیعتاً این ناهماهنگی باعث می‌شود موفقیت‌شان کمتر شود. ■



گفتمان حاکم بر مداحی باید گفتمان انقلاب اسلامی باشد

حجت الاسلام صادق گلزاده / معاون فرهنگی مجمع تقریب مذاهب

هنر مدح و منقبت اهل بیت استفاده کنیم، این قید اهل بیت که قیدی خدایی است و من تاکید بسیاری بر آن دارم بر همه جوانب محتوایی، شکلی و قالبی حکم فرماست، به عبارت دیگر اگر مداحی با حفظ قالبها و صحت گفتار، شعر و مدح و منقبت توانست ما را به اهل بیت و خدا نزدیکتر، متقیتر و پرهیزکارتر نماید آن مداحی، مداحی مورد رضای اهل بیت است. مداحی مرضی اهل بیت و دین و مجلس نوحه و روضه و مرثیه اهل بیت آن است که ما را به نماز اول وقت، نماز جماعت و دین داری بیشتر مقید کند، پس در صورتی که مداحی ما در این جهت توفیق کمتری داشته باشد معلوم است از اصل مداحی مورد نظر دین و اهل بیت فاصله بیشتری گرفته ایم، از آن طرف هم هر چه در این جهت توفیق ما بیشتر باشد، یعنی هر وقت کسی به مجلس مداحی ما آمد به دین نزدیکتر و متقیتر شد، ما مداح موفقی برای دین و اهل بیت

که در مداحی بسیار موثر است، برقراری تعادل میان خدا و انسان، به معنی خالق و مخلوق، امام معصوم (ع) و گروه مخاطبان است، در این معنا که چون مداح قصد دارد یک واقعیت تاریخی و معرفتی را در قالب اشعاری با هنر مداحی عرضه کند، پس باید از اشعار واقعی بهره گیرد و از به کارگیری دروغ باطل یا خرافه بپرهیزد، به گونه ای که حقیقت را بیان کند و از تهمت، جسارت و وهن نسبت به معصوم و یا غیر معصوم بپرهیزد. ویژگی دیگر، قالب بیان به معنی قالب شعری و کیفیت تنظیم صداست. حتما دیده اید که برخی قالبها و تنظیمها مناسب مجلس لهو و لعب است و متأسفانه برخی مداحان از این قالبهای وهن آمیز در توصیف اهل بیت استفاده می کنند که ناصحیح است، لذا مداح نباید از قالبی در مداحی خود استفاده کند که باطل و مناسب مجلس لهو و لعب باشد، در یک جمله، ما می خواهیم از مداحی در قالب

در تبلیغ دین و اهل بیت شرط لازم و برجسته اخلاص است، بدین معنی که مداح برای دنیا مداحی نکند و روضه نخواند، البته که مردم، با صفای کامل خود سعی می کنند که به اداره زندگی این گروه از خدمتگزاران به دین کمک نمایند، اما نباید مداحی اهل بیت را گونه ای نان دانی قلمداد کرد. شرط دوم مداحی صحیح، دانش و آگاهی دینی است، بدین معنا که صرف بهره مندی از صدای خوب، ظرفیت کامل مداحی برای اهل بیت نیست، مداح باید در کنار صدای خوب و اخلاص، آگاهی و دانش کافی هم نسبت به موضوع مداحی خود داشته باشد تا مداحی آگاهانه ای به مخاطبین خود ارائه و عرضه نماید. شرط دیگر مداحی که می تواند مداحی مورد نظر دین باشد، اطلاع از قوت و ضعفها و صحیح و غلطهاست، مداح باید با این آگاهی، قوتها و صحیحها را انتخاب و از غلطها بپرهیزد. نکته دیگری



بوده‌ایم، و آنگاه مهم‌تر از جنبه شعر و مداحی، روال اهل بیت بر صله دادن و تشکر کردن از مادحین بوده است. پس اگر توانستید با مدح اهل بیت و منقبت آنها، مردم را به دین نزدیک‌تر، نسل جوان را نماز خوان‌تر و مومنات را به حجاب و عفاف نزدیک‌تر کنید، این مدح و منقبت ظرفیت مناسبی است که می‌تواند شما را به اهل بیت نزدیک‌تر کند و مشمول صله دنیوی و اخروی قرار دهد. کسی که مدح زهرای اطهر (س) یا مرثیه حضرت زینب (س) را می‌کند باید این توانایی را داشته باشد که سفره حجاب، عفاف، متانت، وارستگی و تقوا را بگشاید و بتواند از این ظرفیت در جهت دین‌دارتر شدن زنان و دختران مان به عنوان ثمره این مداحی بهره گیرد. پس اگر چنین توفیقی در مداحی حاصل شد یعنی ما مداحی مورد نظر اهل بیت را تحقق بخشیده‌ایم.

اما نکته مهمی که امروزه از اهمیت فراوانی نزد مداحان برخوردار است و مقام معظم رهبری نیز بارها بر آن تاکید داشته‌اند، لزوم گفت‌مان‌سازی است. اگر جنس کار مداحی را کالبدشکافی کنیم می‌توانیم حقیقت گفت‌مان‌سازی را از درون آن استخراج نماییم. پرسش اینجاست که مداح کیست و مخاطبان آن کدامند؟ علی‌القاعده مداح یک انسان مومن، متدین، انقلابی، با معلومات در خور مداحی و ظرفیت آشنایی با جامعه خود است، سوی دیگر این فرآیند، مخاطبان مداحی‌اند، مخاطبان، مجموعه‌ای از نسل جوان، مومنین، مومنات و کسانی هستند که از دلبستگی‌های اصیل اسلامی و مذهبی، فطرت پاک و دلبستگی به اهل بیت برخوردارند. در این میان، عنصری که میان مداح و مخاطب جلوه‌گر می‌شود، محتوای مداحی است، وقتی این محتوا هدفمند و در جامعه‌ای انقلابی، اهل بیت‌پسند، اسلامی، زمان‌محور و مخاطب‌محور باشد می‌تواند به بهترین نحو در قالب شعر و هنر نمایان گردد. نمونه قابل ذکر، مداحان گرانقدر ما در زمان جنگ تحمیلی است، این مداحان در آن عصر مداحی می‌کردند اما محتوای دفاع مقدس بر هنرشان حکم فرما بود و در اشعار خود مردم را به ایثار، فداکاری، عدالت‌خواهی، شهادت‌طلبی و مبارزه با ظلم فرا می‌خواندند. دوران انقلاب اسلامی نیز بدین صورت بود، در آن عصر، تمام توجه و تمرکز شعرا و مداحان، دعوت مردم به حضور در صحنه، مبارزه با نظام ستم‌شاهی و حرکت به سوی عدالت و انقلاب بود. وقتی این سه گزیننه یعنی پیام که محتوایست، پیام‌رسان که مداح است و پیام‌گیرنده که مخاطب می‌باشد با یکدیگر عجین شوند و در کنار هنر شعری و اجرای آن شعر و همچنین ظرف زمانی و مکانی مناسب عرضه گردند، آنگاه به مداحی اصیل نائل آمده‌ایم. این مجموعه کامل و مدون، قدرت گفت‌مان‌سازی مورد نظر مقام معظم رهبری را نشان داده و فراهم می‌کند، در واقع آقا می‌خواهند بفرمایند که این مداح، مداح جامعه انقلابی ماست، این مخاطب مخاطب جامعه ولایی و اهل‌بیتی ماست و

شوید، نه از نقطه وسط به نقطه مقابل قرار بروید، و نه سرعت نابجا داشته باشید که قدرت مهار کردن ماشین را از دست بدهید، اگر مداح خواست بی‌ترمز حرکت کند ممکن است ناخواسته مطالبی بر زبان جاری کند که مطلوب نیست و گاه به گناه کشیده می‌شود، چون دروغ، تهمت و خرافه گناه است و مرتکب آن در روز قیامت باید جوابگو باشد. لذا صیانت از مداحی، مدح، مداح و مخاطب، ویژگی‌هایی است که مداح باید برای حفظ خود به کار ببرد. صیانت از مداح، همان چیزی که مداح بر زبان جاری می‌کند است، عناصری همچون شعر، صحت و سقم آن، و همچنین پرهیز از نامتعارف‌هایی که گاهی در برخی اشعار وجود دارد، صیانت از مداحی نیز قالب ارائه، القانات، نحوه سرایش و مدح است. در این میان صیانت مداح از خود را نیز نباید فراموش کرد.

مداح اگر فردی مومن، متدین، انقلابی، خدایی و متقی باشد، همیشه از خود مراقبت می‌نماید و فراموش نمی‌کند که با توفیق مداحی خود الگوی عده‌ای می‌شود، خود همین توجه به این امر ناخودآگاه سبب بسته‌شدن راه انحراف بر مداح خواهد شد. مداح باید متوجه باشد که مردم قرار است از او الگو بگیرند، کسانی که یک عنصر اجتماعی می‌شوند و مردم در ظرفی زمانی به آنها علاقمند می‌گردند باید کاری کنند که با این علاقمندی مردم بدان‌ها، آنها را به انقلاب، دین، صفا و صمیمیت، دین‌داری، انقلابی‌گری، و ایرانی اصیل بودن نزدیک و نزدیک‌تر کنند. ■

این مسجد متعلق به اسلام، اهل بیت و انقلاب است. بنابراین گفت‌مان مطرح و حاکم بر مداحی می‌بایست گفت‌مان انقلاب اسلامی، انقلابی‌گری، مقابله با ستم، اخلاق و تربیت، صفا و صمیمیت، دین و دین‌داری و تقوا و پرهیز کاری باشد.

گفتمانی که در دل آن سبک زندگی اسلامی حادث شود و مخاطب آن، متدین‌تر، انقلابی‌تر، وارسته‌تر و متعهدتر گردد، همان نگاه فراگیر گفت‌مان‌ساز در عالم مادحین و مداحی اهل بیت است.

اما فراموش نکنیم که مداح نیز ممکن است همچون هر فرد دیگری در پیشه خود دچار انحراف و کج‌روی شود. راه پیشگیری و در وهله بعد مقابله با این انحراف، از مسیر اخلاص می‌گذرد. اگر ما مستمرا رضای خدا و عنایت اهل بیت را در نظر داشته باشیم، در مسیر لغزش قرار نخواهیم گرفت. عنصر دیگر تقواست، تقوا در برابر وسایس شیطانی در اسلام به معنای سپهر است، فرد متقی و پرهیز کاری که در اوج تدین و تقواست طبیعتاً کمتر دچار لغزش می‌شود. عامل بعد، اعتدال است، یعنی مداح در آهنگ و قالب مداحی و ریتم آن همیشه مراقب باشد. به عنوان نمونه، یک مرکب را در نظر بگیرید، وقتی می‌خواهید سوار آن شوید مراقب وضعیت بنزین، روغن، آب، لاستیک و همه چیز آن هستیید تا خیالتان راحت باشد، من مراعات کردن آهنگ، قالب، صحت و سقم شعر، دوری از دروغ، خرافات و اکاذیب را به جاده تشبیه می‌کنم.

حال شما پشت فرمانی که مداحی است نشسته‌اید و کاملاً مراقبید که نه به حاشیه جاده بروید که منحرف



نظریه به گفتمان تبدیل نشده است

حجت‌الاسلام علی ذوالعلم

قابل دسترسی و تبیین است. اجازه دهید که من در این زمینه به پژوهشی با عنوان «منشور فرهنگی انقلاب اسلامی» که در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با همکاری موسسه پژوهشی صدرا انجام و منتشر شده است اشاره کنم، این اثر درصدد نیل به این هدف است که مولفه‌های مشترک گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی را تبیین نماید. اما نکته حائز اهمیت در این میان، راهکاری است که طی آن، این معیارها و شاخصه‌ها به گفتمان بدل شوند. قدم اول در این مسیر، ایجاد، تقویت و تعمیق یک گفتمان فرهنگی از طریق فرهنگی و با استفاده از ابزار فرهنگی است و چون ریشه فرهنگ به همان نگرش و جهان بینی پشتوانه فرهنگ و به نوع تلقی و نگاهی که آن فرهنگ به مقوله‌های مختلف دارد مربوط می‌شود پس ما نیز می‌بایست این نوع نگاه‌ها و تلقی‌ها را هر چه بیشتر به یکدیگر نزدیک کنیم، این قربت نیز می‌بایست بر اساس یک مبانی نظری و تعریف شده که قابل قبول است صورت پذیرد، یعنی اگر ما به عنوان یک گزاره منطقی و مستند پذیریم که گفتمان فرهنگی مناسب و مطلوب برای

هست که در اسلام وجود دارد، مولفه دوم، فرهنگ ایرانی، زبان و ادبیات فارسی و آن بخش غنی و عمیق اسلام در بارور سازی فرهنگ و علوم اسلامی، و نهایتاً مولفه سوم، شاخصه‌هایی است که برگرفته از انقلاب اسلامی می‌باشد که روحیه استکبارستیزی، به چالش کشیدن مبانی فلسفی و نظری تمدن غرب و مقابله با زیاده‌طلبی و سلطه‌گری کشورهای بزرگ اساس آن را شکل می‌دهد. بنابراین ما این سه مولفه اساسی را مبنای تعریف شاخص‌های گفتمان فرهنگی خود قرار می‌دهیم، البته این بحث بسیار گسترده و دامنه‌دار است، منتهی من اشاره می‌کنم که هم حضرت امام خمینی (ره) و هم مقام معظم رهبری به روشنی و صراحت این مولفه‌ها را در مباحث خود مطرح کرده‌اند، همچنین سایر اندیشمندان و متفکرین اسلامی از قبیل مرحوم شهید مطهری نیز روی همین سه مقوله تاکید داشته‌اند و امروز با گذشت نزدیک به ۴۰ سال از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی خوشبختانه ابعاد و زوایا و معیارهایی که در هر کدام از این سه مولفه وجود دارد برای گفتمان فرهنگی مشترک ما به آسانی

جامعه ما، جامعه‌ای اسلامی و برخوردار از هویتی انقلابی و ایرانی است که از فرهنگی ریشه‌دار بهره‌مند است. امروزه کشورمان به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی موفق به احیا و تعمیق هویت فرهنگی و دینی خود شده و در پی یافتن جایگاه خود در عرصه فکری و فرهنگی و همچنین حرکت در مسیر تمدن‌سازی است. چشم‌انداز مسیری که امروزه ایران اسلامی در آن در حال حرکت است نه تنها برای ایران، که برای کلیت جهان اسلام موثر بوده و سبب الگوسازی در باقی جوامع نیز می‌گردد، لذا این چشم‌انداز که کاملاً واقع‌بینانه نیز هست با توجه به بنیه فرهنگی و توانمندی ایران اسلامی در عرصه مبانی اعتقادی، فلسفی و فکری اقتضا می‌کند که ما در مورد شاخصه‌های یک گفتمان مناسب و مشترک نیز به همین مولفه‌ها توجه کنیم. کوتاه سخن آنکه ما در گفتمان‌سازی امور فرهنگی و مذهبی باید به سه نوع مولفه توجه ویژه داشته باشیم. زیرساختی‌ترین و ابتدایی‌ترین مولفه، اسلام ناب محمدی (ص) و مبانی نظری و اعتقادی، اصول ارزشی و پتانسیل قوی و غنی



مختلف کشور انتقاد دارند، این نخبگان را می‌توان چهره‌های فرهنگی حوزوی، دانشگاهی، موسسات پژوهشی و فرهنگی مردمی، سمن‌ها و NGO های دانست که می‌خواهند فعالیت‌های فرهنگی انجام دهند اما غالباً مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند، از آن طرف هم دستگاه‌های سیاسی غالباً نگاه‌شان به این مجموعه یک نگاه درجه دوم و ثانویه است، آنها را خیلی دارای نقش نمی‌دانند و به بازی نمی‌گیرند و این هم خواست یک دولت نیست، معمولاً همه دولت‌ها در دستگاه‌های اجرایی خود این شکاف را دارند، اما اصل مسئله این است که یک تعامل هم‌افزای حقیقی میان دستگاه‌ها و نخبگان فرهنگی وجود ندارد. اگر بخواهیم در این عرصه موفق شویم و کاری بکنیم نباید به این موضوع با نگاهی سیاسی بنگریم، بلکه باید بدانیم که به هر حال جریان فرهنگی حقیقی کشور به دست اصحاب فرهنگ است، حال قطعاً در اصحاب فرهنگ دیدگاه‌های مختلف وجود دارد، بعضاً ممکن است دیدگاه‌های نادرست هم دیده شود، ولی ما چاره‌ای جز این نداریم که همان‌ها را هم در یک گردونه تعامل فرهنگی وارد کنیم و در این گردونه با گفتگوها، تبادل نظرها و ارتباطی صادقانه و منطقی مبتنی بر آن دو مقوله‌ای که اشاره کردیم بتوانیم دائماً به یک هم‌افزایی فرهنگی نزدیک شویم.

با آنچه اشاره شد نمی‌توان به روشنی گفت که در نهادینه‌سازی این شاخصه‌ها در حوزه گفتمان‌سازی موفق نبوده‌ایم، همین که ما به روشنی به این مولفه‌ها رسیده‌ایم، همین که ما امروزه یک سند به نام نقشه

دچار نواقص و کمبودهایی هستیم، یعنی مدیران و برنامه‌ریزان فرهنگی کمتر موفق شده‌اند ارتباطی طبیعی و حقیقی میان تلاش‌ها، طراحی و عمل خود با دیدگاه‌های نخبگی و عمیق فرهنگی برقرار کنند، پس یک راهکار این است که ما بتوانیم این تعامل را سامان دهیم که البته در کوتاه مدت هم به طور کامل مقدور نیست ولی باید عزمی صورت گیرد و طرح و اعتقاد به این موضوع در راس برنامه‌ها قرار گیرد تا این هدف، مهندسی و دنبال گردد.

اما امروزه متأسفانه دستگاه‌های فرهنگی ما با نگاهی سیاسی مدیریت می‌شوند، چرا که این جناح‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی هستند که پیشنهاد دهنده مسئولیت‌های کلان اجرایی و مدیریتی کشورند، در این میان، دستگاه‌های فرهنگی هم از این قاعده مستثنی نیستند چرا که این دستگاه‌ها هم طی فرآیندی سیاسی انتخاب می‌شوند، پس اصل نگاه‌شان نگاهی غالباً سیاسی است، یعنی تلاش می‌کنند ملاحظه جهت‌گیری‌ها، منافع و فشارهای جناح‌های مختلف بر خود را بکنند، در حالی که صاحب‌نظران فرهنگی اساساً مقوله سیاست را مقوله‌ای فرهنگی می‌دانند، بنابراین ما در این میان به دو دیدگاه متعارض بر می‌خوریم، یک دیدگاه آنکه سیاست هم بشود فرهنگی و دیدگاه دیگر اینکه فرهنگ هم بشود سیاسی. قاعدتاً این دو نمی‌توانند با یکدیگر کنار بیایند و عمدتاً تعارضی پنهان و آشکار یا حداقل شکافی عمیق بین این دو وجود دارد، به همین جهت مشاهده می‌کنیم که غالباً نخبگان فرهنگی نسبت به وضعیت فرهنگی دستگاه‌های

کشور ما، گفتمانی فرهنگی است که بر این سه مولفه اسلام ناب، میراث فرهنگی و تمدنی ایران اسلامی، و شاخصه‌ها و مبانی انقلاب اسلامی استوار است، در این صورت می‌بایست تاملات و زمینه‌هایی در خصوص این سه مولفه و شاخصه‌های زیر مجموعه و معیارهایی که اقتضا می‌کند نیز ایجاد شود، بنابراین بسترسازی برای گفتگوی اصحاب فرهنگ و دستیابی آنها به دیدگاه مشترک نکته اول است.

نکته دوم اینکه در حقیقت این نخبگان فرهنگی هستند که می‌توانند در گفتمان‌سازی نقش اساسی ایفا کنند و خود همین نخبگان فرهنگی از یک فرهنگ بالفعل، تلقی‌ها، نگرش‌ها و باورهایی نسبت به فرهنگ برخوردارند که در وضعیت کنونی جامعه ما بسیار متشتت است و در طیف‌های مختلف کاملاً متفاوت، پس برای اینکه بتوانیم به یک گفتمان مشترک و مورد قبول برسیم می‌بایست که فرهنگ به این گفتمان دست پیدا کند یعنی آن هسته و کانون مرکزی فرهنگ، خود چنین گفتمانی را پذیرفته باشد و در جمع نخبگان فرهنگی ما به عنوان یک گفتمان تخصصی پذیرفته شده باشد.

نکته سوم تأثیرگذاری متقابل دستگاه‌های فرهنگی، سیاست‌گزار و برنامه‌ریز و مدیریت فرهنگی با نخبگان و صاحب‌نظران فرهنگی است، این تعامل دوسویه بین نهادها و دستگاه‌های دولتی، حاکمیتی و عمومی که هر یک وظیفه‌ای در عرصه فرهنگ ایفا می‌کنند با نخبگان و صاحب‌نظران فرهنگی، بحث بسیار مهمی است که متأسفانه ما در این مورد هم در جامعه



مهندسی کشور در اختیار داریم و همین که منشور فرهنگی انقلاب اسلامی تدوین شده، نشان از آن است که پیشرفت کرده‌ایم و توانسته‌ایم تا حد زیادی به یک نظریه فرهنگی اسلامی - ایرانی نزدیک شویم. بنده بر این باورم که ما در حال حاضر از منابعی برخورداریم که تا حد زیادی حاوی نظریه فرهنگی انقلاب اسلامی است ولی در اینکه این نظریه به گفتمان تبدیل شود هنوز کاستی‌های زیادی وجود دارد و تلاش زیادی هم جهت رفع این کاستی‌ها صورت نگرفته، این هم به جهت همان سایه سنگین سیاست به معنای رایج آن است، یعنی رقابت‌های جناحی از این قبیل غالباً بر فرهنگ سایه انداخته و مانع از آن شده که اساساً مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی به مقوله عمیق شاخصه‌ها و مولفه‌های گفتمان فرهنگی مطلوب توجه جدی کنند و برنامه ریزی شود تا این گفتمان محقق گردد.

با این وجود، برای تبدیل این شاخصه‌ها و مولفه‌ها به گفتمان‌سازی، ظرفیت‌های بسیاری وجود دارد که پیش از این به بحث تعامل میان سازمان‌ها اشاره کردم اما همین که ما در جامعه امروز به برکت اسلام، از یک وحدت ملی عمیق برخورداریم خود ظرفیت بی‌بدیلی است، همین که هیچ یک از متفکرین، احزاب و گروه‌های ما با اسلام مسئله ندارند و آن

را پذیرفته‌اند، اگرچه ممکن است در برخی تفاسیر و تاویل‌ها اختلاف نظر وجود داشته باشد، اما همین پذیرش نفس اسلام ناب، خود برکتی عظیم برای ایران اسلامی است. همین که حضرت امام خمینی (ره) به عنوان مرجعی فکری در جامعه ما مقبولیت عام دارند، همین که رهبر معظم انقلاب خودشان یک چهره عمیقاً فرهنگی‌اند و تمامی اصحاب فرهنگ در شاخه‌های گوناگون ایشان را می‌شناسند و قبول دارند و به عنوان یک چارچوب‌دهنده و جهت‌دهنده فکری و فرهنگی به ایشان اقتدا می‌کنند خود فرصت مناسبی است که ما از آن برخورداریم ولی متأسفانه تاکنون از این ظرفیت‌ها استفاده نکرده‌ایم. امروزه ما برای تحقق این امر به مدیریت شبکه‌ای و پویا در عرصه فرهنگ نیاز داریم، البته این نیاز در همه عرصه‌ها هست اما خصوصاً در عرصه فرهنگ نمود بیشتری دارد. نکته مهم دیگر بردباری فرهنگی و تحمل قول مختلف و آزاد اندیشی در مباحث فرهنگی، گفتگو و نقد است. سال‌هاست که رهبر معظم انقلاب بحث کرسی‌های آزاد اندیشی را مطرح کرده‌اند اما متأسفانه هنوز به معنای حقیقی کلمه، به آزاد اندیشی، مناظره و بحث علمی شفاف نائل نیامده‌ایم، که این خود از آن دست عواملی است که باید در فضای فرهنگی ایجاد شود. همان مدیریت‌هایی که غالباً زیر سایه نگاه سیاسی‌اند

از سعه صدر برخوردار نیستند، غالباً محافظه‌کارانه و یک سو نگر برخورد می‌کنند، عمدتاً کوتاه‌مدت را مد نظر قرار می‌دهند و از نگاه بلند مدت برخوردار نیستند و خود از استحکام فکری در حوزه فرهنگ بهره‌ای ندارند. نتیجه این دست دغدغه‌ها و نگرانی‌های موهوم، مانع‌شدن از رواج آزاد اندیشی و گفتگو میان نگاه‌های مختلف سیاسی در جامعه است.

در این میان قطعاً نقش حوزه علمیه در کنار دانشگاه، نقشی مولد است، این دو باید در کنار یکدیگر، علاوه بر برخورداری از انسجام فکری و تعامل متقابل، عهده‌دار تولید گفتمان فرهنگی شوند. صدا و سیما نیز می‌بایست در این فرآیند نقش تبیین‌کننده و اشاعه‌دهنده گفتمان را بر عهده داشته باشد، البته این هدف به صورت مکانیکی حاصل نمی‌شود، اینطور نیست که مثلاً حوزه و دانشگاه یک کتاب تالیف کنند و به صدا و سیما بدهند و بگویند اجرا کن، این طریق کمکی به گفتمان‌سازی نمی‌کند. دست اندرکاران صدا و سیما می‌بایست در فرآیند تبیین و طراحی گفتمان، حضور داشته باشند و آن را بپذیرند. دیگر مجموعه‌های تبلیغی هم باید خودشان را در همین چرخه تعریف کنند، نباید تلقی‌شان این باشد که کارکرد صدا و سیما با کارکرد حوزه و کارکرد ما متفاوت است. در حقیقت ما باید از یک نقشه محتوایی فرهنگ در همه این ابزارها، رسانه‌ها و نهادها پیروی کنیم تا مخاطبان جامعه ما بتوانند این هم‌صدایی و هم‌سوایی را ببینند، امری که متأسفانه امروز هم از آن محروم هستیم، بدین معنا که غالباً دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی که باید نوعی اعتبار‌افزایی برای یکدیگر به صورت متقابل داشته باشند، گونه‌ای حس رقابت میان‌شان ایجاد می‌شود.

گویا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تلقی‌اش این است که مثلاً صدا و سیما باید با او هم‌سو باشد، صدا و سیما تلقی‌اش این است که آن وزارت‌خانه باید با او هم‌سو باشد، دستگاه‌های تبلیغی، تربیتی، آموزشی و غیره هم همین شرایط را دارند. ما باید بدانیم که همه دارند کار تبلیغی انجام می‌دهند. در واقع بر همه دستگاه‌های فرهنگی فرض است که در قالبی که در اختیار دارند دنباله‌روی مهندسی و طراحی فرهنگ باشند، امری که هنوز هم از تحقق آن محروم هستیم. این مشکلات همانگونه که پیش از این نیز اشاره شد، هم برخاسته از نگاه‌های سیاسی هست و هم فقدان و ضعف نگرش فرهنگی. امروزه دستگاه‌ها مقولات فرهنگی را غالباً ثانویه و کوتاه‌مدت می‌بینند و معمولاً در این مجموعه‌ها نوعی رقابت منفی و حسادت تشکیلاتی و سازمانی وجود دارد که آنها را رنج می‌دهد. رسالت ما در این میان نیل به خودسازی عمیق فرهنگی چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی است تا بتوانیم به واقع بیش از آنکه خود، منافع و هویت خودمان را ببینیم، حقیقت فرهنگ را ملاحظه کنیم تا جامعه از رشد فرهنگی والاتری بهره‌مند گردد. ■



گفت و گو با رضا معممی مقدم مدیرکل تشکل‌های دینی و مراکز فرهنگی:

هدف ما تسریع در صدور مجوز برای تشکل‌های دینی است

✚ چه تعداد تشکل در سامانه طوبی ثبت نام کرده‌اند و میزان استقبال چگونه بوده است؟ تا تاریخ ۲۳ فروردین ماه سال ۹۶ که آخرین آمار را از سیستم اخذ کرده‌ایم تعداد ۳۱۲ انجمن اسلامی، ۱۳۳۱ کانون فرهنگی تبلیغی، ۱۳۲۵۴ هیئت مذهبی و ۳۸۸۸۳ مداح و شاعر آیینی در سامانه طوبی ثبت نام کرده‌اند. میزان استقبال با توجه به پروسه‌ای که برای ثبت نام تا اخذ مجوز یک تشکل دینی در سامانه طوبی در نظر گرفته شده است متوسط می‌باشد. اما در بخش مداحان اهل بیت (ع) و شعرای آئینی، استقبال خوب بوده و اگر بخواهیم درصد تقریبی این استقبال را بگوییم باید گفت که سامانه طوبی یک سامانه نوپا است که کمتر از یک سال است که راه‌اندازی شده است و در این مدت توانسته بیش از ۵۰ درصد مداحان شناسایی شده را ثبت نام کند و نزدیک به ۱۵ درصد از هیئات مذهبی شناسایی شده و بین ۲۰ تا ۲۵ درصد از انجمن‌های اسلامی شناسایی شده و ۳۰ تا ۳۵ درصد

مجوز به صورت فیزیکی و دستی انجام می‌شد. یکی از اهداف ما تسریع در انجام ثبت نام بود. پیش از این، هر تشکل باید برای انجام این فرآیند چندبار به سازمان مراجعه می‌کرد. هدف دیگر ما این بود که از رفت و آمدهای مکرر به سازمان جلوگیری کنیم. سرعت در پردازش اطلاعات، بهره‌برداری و گزارش‌گیری نیز از اهداف دیگر شمرده می‌شود. سابقاً اگر ما با توجه به کمبود نیروی انسانی در سازمان برای انجام وظایف و ماموریت‌های محوله، استعفاء، عزل و فوت مسوولان تشکل‌های دینی دارای پرونده در سازمان مواجه می‌شدیم، باید مجدداً تمام مدارک بایگانی شده را با ورود مسوول جدید تغییر می‌دادیم و دوباره کپی می‌گرفتیم و در پرونده‌ها بایگانی می‌کردیم و این فرآیند صرفه اقتصادی و زمانی مطلوب را نداشت. هدف نهایی ما فقط جمع‌آوری اطلاعات نبود بلکه پردازش و اخذ گزارشات آماری و ترکیبی از اطلاعات داده‌ای تشکل‌های دینی در سامانه طوبی است که این مهم نیز در این سامانه لحاظ گردیده است.

سامانه طوبی یا همان بانک اطلاعات تشکل‌های دینی و مداحان است که از هشتم اردیبهشت سال ۹۵ زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی فعالیت خود را آغاز کرد. رضا معممی مقدم که مدیرکل تشکل‌های دینی و مراکز فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی است هدف از تشکیل این سامانه را تسریع در ثبت نام و صدور مجوز برای تشکل‌های دینی و مداحان عنوان کرد و از تمامی هیئت‌ها و تشکل‌های دینی خواست که برای سازماندهی هر چه مطلوب‌تر جامعه در این سامانه ثبت نام کنند.

✚ هدف از راه‌اندازی سامانه طوبی چه بوده است؟

هدف اصلی از ایجاد سامانه طوبی تسهیل و تسریع در فرآیندهای ثبت نام و صدور مجوز فعالیت برای تشکل‌های دینی (هیئات مذهبی، مداحان و شعرای آئینی، انجمن‌های اسلامی و کانون‌های فرهنگی و تبلیغی) می‌باشد. تاکنون تمامی مراحل ثبت و صدور



صد کانون‌های فرهنگی شناسایی شده نیز در آن ثبت نام کرده‌اند.

✚ اگر هیئت یا مداحی خود را ثبت نام نکند از چه مزایایی محروم می‌شود؟

اصولاً گرفتن مجوز، برای تشکیل هاو سمن‌ها جز احکام دائمی برنامه‌های توسعه پنج ساله است و برای اخذ امتیاز و بهره‌مندی از مزایا نیست. وقتی کسی خودرویی می‌خرد هزینه‌هایی پرداخت می‌کند و از دولت شناسه و پلاک می‌گیرد تا بتواند رانندگی کند که البته ممکن است جان فردی را هم بگیرد حال چگونه ممکن است افرادی که با ایمان و اعتقادات مردم سر و کار دارند نباید شناسایی شوند و صلاحیتشان تایید شود؟ با هماهنگی-هایی که ما با دستگاه‌هاو بخش‌های دیگر انجام خواهیم داد، نیاز به اخذ مجوز در آینده بیشتر حس خواهد شد. تشکیل‌های دینی که مجوز سازمان تبلیغات اسلامی را دارا هستند از همراهی حاکمیت بهره‌مند می‌شوند. به عنوان مثال برای دسته روی در روزهای تاسوعا و عاشورا این تشکل‌ها از سوی نیروی محترم انتظامی با مشکلی روبرو نخواهند شد و می‌توانند با مراجعه به سازمان معرفی‌نامه خود را بگیرند. اینها همه با استفاده از مصوباتی است که در ستاد ساماندهی شئون فرهنگی در مناسبت‌های مذهبی که ریاست آن از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی به سازمان تبلیغات اسلامی واگذار شده، تنظیم شده است، یا هماهنگی‌هایی با سازمان حج

و زیارت در خصوص اعزام مداحان اهل بیت (ع) به عتبات عالیات و حج، یا انتخاب مداحان برای دیدار با رهبر معظم انقلاب می‌باشد یا در حال تصویب فرایندی با سازمان ثبت و اسناد کشور هستیم که کد شناسایی تشکل‌های سازمان نقش شناسه ملی را ایفا کند و ... موارد دیگری نیز هست که به صورت راهکارهای ارائه شده از سوی مرکز به ادارات کل سازمان در سطح استان و شهرستان‌های تابعه ابلاغ گردیده است ولی در حال حاضر هدف این است که ثبت نام و تشکیل پرونده تشکل‌ها در سامانه طوبی تسهیل و تسریع گردد.

✚ نظر خاصی در خصوص عضویت در این سامانه‌ها ندارید؟

تمامی تشکل‌های دینی سه گانه و قشر تاثیرگذار مداحان اهل بیت (ع) و شعرای آئینی را به ثبت نام و تشکیل پرونده و در نهایت اخذ مجوز فعالیت از این سامانه توصیه نموده و از این عزیزان برای برنامه‌ریزی، سازماندهی و ساماندهی هرچه بهتر و مطلوب‌تر جامعه که هدف ما همین عزیزان هستند، یاری می‌طلبیم. از نکاتی که شاید برای تشکل‌های دینی در حین ثبت نام و ورود اطلاعات حائز اهمیت باشد این است که حتماً پیش از شروع به ثبت نام و ورود اطلاعات صفحات اولیه و راهنمای ثبت را که در صفحه اول سامانه طوبی و در هر بانک با عنوان صفحه صفر لحاظ گردیده است، مطالعه نمایند و ضروریات ذکر شده در این صفحات را آماده نموده و سپس اقدام به ورود اطلاعات نمایند

تا پرونده ایشان در حین ورود اطلاعات ناقص نماند و مجبور نباشند برای تکمیل مجدد پرونده به سامانه مراجعه نمایند. از دیگر موارد این است که تشکل‌هایی که قبلاً از سازمان تبلیغات اسلامی کد ۹ رقمی شناسایی دریافت نموده‌اند از معافیت‌هایی در زمینه سن مسوول تشکل دینی و عدم محدودیت در مدرک تحصیلی برخوردار خواهند بود. بنابراین توصیه می‌شود که حتماً کد ۹ رقمی خود را در خلال ورود اطلاعات در محل مربوطه به درستی ثبت نمایند تا بعداً دچار مشکل ثبت نام نشده و کد شناسایی که سال‌های سال است به ایشان تعلق گرفته است به تشکل دیگری واگذار نگردد. زیرا صدور کد شناسایی ۹ رقمی برای تشکل‌ها کاملاً مکانیزه و هوشمند از سوی خود سیستم انجام خواهد شد و هیچیک از کاربران دخل تصرفی در اختصاص کد شناسایی ندارند بنابراین کدی که برای تشکلی صادر می‌شود غیرقابل تغییر خواهد بود.

در پایان از کلیه مداحان و شعرای آئینی و همچنین تشکل‌های دینی که پیش قدم شده و تا کنون اقدام به ثبت نام در سامانه نموده‌اند تشکر می‌نمایم و امیدوارم که سایر این عزیزان نیز هرچه زودتر در سامانه طوبی ورود اطلاعات نمایند تا شاهد سازماندهی هرچه مطلوبتر این مجموعه‌های دینی مردمی باشیم و با استعانت از باری تعالی جهت حمایت از آنها و ارتقاء سطح آگاهی‌ها و کیفیت برنامه‌هایشان گام‌های مؤثر و مفیدی برداریم. ■



روضه‌ای به صورت سنتی خوانده می‌شد. بعد از ائمه، در سیره علماء هم به همین صورت بوده است که عزاداری را به عنوان یک سنت برای زنده کردن دین خدا، توجه به از خودگذشتگی و ایثار امام حسین (ع) یا ائمه دیگر انجام می‌دادند. اما قالباً این عزاداری‌ها در دهه محرم و برای امام حسین (ع) انجام می‌گرفت. اما علی‌القاعده اگر به همان صورت ادامه پیدا می‌کرد شاید به جهات مختلفی بهتر بود. در سیره علمای معاصر خودمان هم از جمله امام خمینی (ره) و علمای دیگر می‌بینیم که روضه و عزاداری را به صورت سنتی برگزار می‌کردند یا در مجالس عزاداری سنتی شرکت می‌کردند. این خود نشان دهنده سیره درست است که عزاداری باید در همان شکل سنتی برگزار شود.

✚ چه عواملی باعث شده است که سیره عزاداری اهل بیت (ع) در طول سال‌های گذشته تغییر داشته باشد؟

باید گفت که دلایل مختلفی باعث شده است که این سیره عوض شود و به صورت‌های مختلفی در این سیره و سنت صحیح اسلامی تغییراتی صورت بگیرد از جمله کارهایی که بعضاً برخی از عالمان و علمای بزرگ آنها را نپسندیدند. مثلاً در ایام عزاداری امام حسین (ع) دستجات عزاداری خدمت آیت الله العظمی بروجردی می‌رسند و از ایشان درباره قمه زدن سوال می‌کنند که ایشان می‌فرمایند «این کار را نکنید و همان روضه و عزاداری را به صورت سنتی برگزار کنید». چنان که نقل شده است شخصی از آن جمع می‌گوید: جناب آیت الله بروجردی ما در کل سال مقلد شما هستیم اما این روز را نمی‌خواهیم مقلد باشیم. این مساله نشان دهنده این است که بی توجهی به اصل عزاداری باعث می‌شود که انسان از حقایق چشم پوشی کند، اما این راه صحیح و درستی نیست و باید به دنبال علل آن رفت که چرا باید به اینجا کشیده شود و عزاداری‌ها از آن شکل سنتی که مورد تایید ائمه (ع) و علمای گذشته بوده و خود آنها هم به این طریق برگزار می‌کردند به این وضع فعلی در آید. متأسفانه دلیل یک بخشی از این ظاهرگرایی‌ها به کسانی بازمی‌گردد که عزاداری را دستاویز خودشان قرار دادند، یک بخشی هم به مداحی‌های غیر صحیح بازمی‌گردد. به جای اینکه به حقیقت عزاداری توجه کنند و اینکه فلسفه عزاداری چیست و چرا ما عزاداری می‌کنیم، به ظواهر امر پرداختند و حتی بعضاً به کارهایی پرداختند که ممکن است مورد تایید شرع هم نباشد. از شور و حال و احساسات مردم سوءاستفاده شده است که به جای اینکه آنها را از طریق عزاداری با حقیقت دین آشنا کنند و طبق گذشته حقایق آن واقعه‌ای که منجر به عزاداری شده و مصیبت وارده را بیان کنند، به ظواهر پرداختند. پس یک دلیل حکومت‌ها بودند که از این طریق سوءاستفاده کردند و دیگری ترویج مداحی‌های ناصحیح، منبرهای غیر مستند و امثال اینها است که به

حجت الاسلام حسن پویا نظرات جالبی در نقد عزاداری‌ها دارد

ترویج مداحی‌های ناصحیح زمینه ظاهرگرایی را فراهم کرده است

اخیر چیست؟ عمدتاً چنین تلقی شده که شاهد گسترش ظاهرگرایی و افول محتوا، به موازات افزایش کمی اعمال و مناسک بوده‌ایم.

اگر یک نگاه جامع و کامل داشته باشیم و به پیشینه عزاداری‌ها در سیره ائمه (ع) نگاه کنیم می‌بینیم که عزاداری کاری است که هم جنبه ثواب داشته و هم جنبه این را داشته که بخوانند حقایق از دین را به صورت عزاداری بیان کنند. لذا به هر صورتی که امکان داشته این کار را انجام می‌دادند، مثلاً شاعری خدمت امام می‌رسید امام می‌پرسیدند می‌دانید امروز چه روزی و این سخن را بهانه‌ای می‌کردند برای اینکه بگویند ایام عزاداری است و از آن شاعر استفاده می‌کردند و

طبیعی است که هر سنت و آیینی با گذشت زمان دچار تغییر و تحولاتی می‌شود اما نه به میزانی که در اصل آیین تغییراتی ایجاد شود. حجت الاسلام والمسلمین حسن پویا معاون پژوهشی موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره) در خصوص بی توجهی به اصل عزاداری می‌گوید: متأسفانه یک بخشی از این ظاهرگرایی‌ها به جایی بازمی‌گردد که عزاداری را دستاویز خودشان قرار دادند، یک بخشی هم به مداحی‌های غیر صحیح بازمی‌گردد.

✚ ارزیابی شما از تغییر و تحول الگوهای عزاداری در ماه محرم و عاشورا طی دهه‌های

این مسأله دامن زده است.

✦ اگر از دید تحقیقی و پژوهشگرانه به سیر آیین های عزاداری نگاه کنیم، آیا تصور می کنید که عزاداری های ما از آن خط اصیل فاصله گرفته است؟

نمی توان گفت تمام عزاداری ها از مسیر اصلی خارج شده است. جاهای زیادی هستند مانند تهران، قم، مشهد و اصفهان که حوزه های علمیه در آنجا قرار دارد و حتی منزل مراجع بزرگ و افراد مذهبی عزاداری به صورت سنتی برگزار می شود. طبق گذشته منبری می آید و واقعه ای عاشورا را تشریح می کند، فلسفه آن را بیان می کند و بعد هم به همان طریق سنتی روضه خوانده می شود. اما اینها در گوشه و کنار انجام می شود. اگر رسانه ملی، رادیو و تلویزیون به جای تبلیغات مداحی های مختلف، از مراسم سنتی خانه مراجع، علماء، مردم عادی فیلم تهیه کنند خواهیم دید بخش زیادی از عزاداری ها از طریق سنتی و صحیح انجام می شود. منبری مفید است که خدایی نکرده غیر مستند صحبت نکند و مداحی که دعوت می شود روضه درست بخواند، گاهی هم همان منبری روضه صحیح می خواند اما متأسفانه نمود آنها کم است و همین امر سبب می شود که عده ای بگویند همه عزاداری ها از سیره اصلی و سنتی خود خارج شده است زیرا آنچه جلوه کرده، آنچه که هیاهو بلند کرده و تبلیغ می شود و سی دی هایش پخش می شود، بخشی است که بیشتر به ظواهر توجه می کنند در حالی که وقتی همین افراد از عزاداری بیرون می آیند باز همان آدم هایی هستند که بودند و بخشی از آنها جز در همان حال عزاداری هیچ تغییری در رویه، کار و اخلاقتان پیدا نمی شود.

✦ ارزیابی شما از وضعیت فعلی فعالیت های فرهنگ دینی به ویژه عناصری چون هیئت، منبر، مداح و آیین ها چیست؟

اینها به صورت فردی انجام پذیر نیست، چنان که خود این کار هم به صورت فردی انجام نمی گیرد، بلکه روشی که تبلیغ و ترویج می شود و متأسفانه از سوی برخی از مجامع، مراکز و امثال آنها تأیید می شود باعث شده به این نتیجه برسند که اگر اینها نخواهند در این رویه تغییر دهند باید به حرف علماء و اندیشمندان بزرگ که در این زمینه کار کردند توجه کنند. من یک نمونه برای شما مثال بزنم، در دوران قاجار و در اوایل حکومت رضاخان می بینیم که وقتی به قدرت می رسد شروع به ترویج عزاداری می کند. این استفاده ای از عزاداری است، اما وقتی مسلط می شوند به حرم امام رضا (ع) هم حمله می کنند و کسانی را که به حکومت آنها اعتراض می کنند می کشند، در حالی که فلسفه عزاداری غیر از این بوده است. پس این استفاده ابزاری از این مسأله است و لازم است که نهضتی انجام شود که در مقابل آنها ایستادگی کند و فرهنگ

استفاده ابزاری، از بین برود. والا به صورت فردی فکر نمی کنم راهی به جایی برده شود.

✦ به باور شما سیاست گذاری های فرهنگی نهادهای دولتی و حکومتی تا چه اندازه در خط سیر و تغییر و تحول اشکال عزاداری در ایران موثر بوده است؟

صد در صد رسانه های عمومی و دیگر افراد در انجام این کار مقصر هستند و توان این را هم دارند که بخواهند در این رویه تغییراتی ایجاد کنند و این کار باید از طریق آنها انجام شود. صحبت من این است که رسالتی که آنها بر عهده دارند این است که این روش را تغییر دهند. گاهی انسان صحبت ها و اشعاری را از رسانه عمومی می شنود که واقعاً مغایر با حقیقت عزاداری و حرکتی است که امام حسین (ع) انجام داده است. اما در همین ایام مداحان و شاعران بسیار سنتی خوبی حضور دارند که شعرهای بسیار بلندی می گویند و حقایق فلسفه ای آن قیام را مطرح می کنند. قطعاً بدانید که حکومت، رسانه های عمومی و همه اینها باید دست به دست هم دهند و می توانند این تغییر را ایجاد کنند.

✦ به نظر شما میان این سیاست گذاری ها و واقعیت های جاری در عزاداری ها، هم راستایی و پیوند دیده می شود یا فاصله و شکافی است که تلاش می شود از طریق اعمال سیاست های بالا به پایین پوشش داده شود؟

پیوند وجود دارد اما اگر بخواهم حقیقت را عرض کنم باید بگویم سیاست درستی به کار گرفته نشده.

✦ یعنی راه را اشتباه رفتند؟

بله. همانطور که عرض کردم، ترویج مداحی های ناصحیح زمینه را فراهم کرده است که مردم به تعبیر شما ظاهرگرا شوند و به همان هم اکتفا کنند. لذا می بینید در یک مجمعی که عزاداری برگزار می شود اگر یک منبری یا سخنرانی برای سخنرانی کردن می آید تعداد محدودی می نشینند و این افراد همان هایی هستند که واقعاً علاقمند هستند که حقایق دین و عزاداری را بفهمند. اما وقتی شور و مداحی برگزار می شود جمعیت زیادی می آیند که شور و حالی را برگزار می کنند و بعد هم می روند و دیگر به اینکه فلسفه این کار چه بوده کاری ندارند. لذا می بینید در برخی از هیئت ها مثلاً سر این که کدام هیئت زودتر به حرم برود دعوا می شود، متأسفانه گاهی چاقو کشی هم می شود! حتی سر اینکه علم کدام هیئت بزرگتر است و تعداد کدامشان بیشتر است. واقعیت همه این اتفاقات این است که با فلسفه عزاداری و دین سازش ندارد و افرادی که این کارها را انجام می دهند معمولاً افراد کم سواد و سطح پایین از معارف دین هستند و و بالاخره بعضاً مورد تأیید و تشویق قرار می گیرند.

✦ در خصوص مواجهه جریان نواندیش حوزوی و همچنین روشنفکری دینی با مسأله عزاداری ها و برخی خرافات ترویج شده در جریان این مراسم ها پرسش این است که این مواجهه تا چه میزان در اصلاح این امور موثر بوده؟ آیا کوشش های نواندیشان و روشنفکران به شکل گیری گونه های جدیدی از مناسک مذهبی شیعیان انجامیده یا صرفاً در مدار سلبی و نفی باقی مانده است؟ به طور کلی علل موفقیت یا عدم موفقیت جریان های نواندیشی حوزوی و روشنفکری دینی در تغییر وضعیت عزاداری در ایران را چه می دانید؟

روشن فکران دینی و مذهبی سنتی تلاش های زیادی برای آگاهی دادن به مردم می کنند اما به هر حال صحبت آنها برای جمع های محدودتری است. آن که نمود دارد همین هیئت های مذهبی و دستجات مذهبی است که ترویج می شود. در حالی که صحبت های بسیار خوبی در بسیاری از مجامع مختلف اهل فرهنگ و ادب انجام می شود اما اصلاً رسانه های عمومی به آنها دامن نمی زنند و به دلایل مختلف آنها را پخش نمی کنند. عموماً حقیقت این است که یا نمی خواهند که آن صحبتها ترویج شود و یا اینکه منافی دارند که در همین نوع عزاداری ها و هیاهوها است که نتیجه آن ممکن است به استفاده ابزاری از عزاداری ختم شود. به هر حال روشنفکران، اهل علم، اهل عمل، اهل شناخت و معرفت افراد محدودی هستند. لذا باعث میشود برخی افراد عزاداری را در این بینند که فقط روزهای گوش دهند و دست به علم بکشند. در همین شهر قم شاهد هستیم که هیئت هایی می آیند که ۲۰ علم کش دارند اما ۴ نفر عزاداری می کنند. خب کدام منطقی این را می پذیرد!

✦ پس چه توصیه ای می توان به مردم و مداحان داشت تا از ظاهر گرایی در عزاداری ها فاصله بگیریم و آنچه انچه که در سیره اهل بیت (ع) بود عزاداری کنیم؟

همانطور که به تدریج این روش و منش تبلیغ شده است، فرهنگ سازی هم اساساً یک دفعه زیور و نمی شود. فرهنگ سازی نیاز به زمینه های مختلفی دارد، همچنان که به مرور زمان به اینجا کشیده شده است. همیشه در طول تاریخ به این صورت بوده است که فرهنگ های بشری دوره های مختلفی را طی کرده و تبدیل به یک فرهنگ شده است. روشنفکران، عالمان، دلسوزان، علاقه مندان به ائمه (ع) و همچنین رسانه های عمومی و حکومت باید دست به دست هم دهند تا آن فرهنگ واقعی که فلسفه عزاداری هست بوجود بیاید و به مرور زمان تأیید و تشویق شود. یعنی مجامع و مجالسی که عزاداری های سنتی را برگزار میکنند ترویج شوند تا به نتیجه برسند. ■



چرخه وارونه و معیوب تولید شعر آیینی

رضا اسماعیلی / شاعر

ناصواب خویش، امروز شوربختانه در حوزه تولید شعر دینی و آیینی شاهد چرخه وارونه و معیوبی هستیم. به این معنا که شاعران در عرصه خلق و آفرینش ادبی در برابر مداحان دچار انفعال شده‌اند. یعنی به جای آن که شاعر با معرفی شعر خوب و فاخر ذوق مداح را بالا ببرد، مداح با سفارش شعر نازل ذوق و سلیقه شاعر را پایین می‌آورد! به جای آن که مداح برای گرفتن شعر خوب به شاعر مراجعه کند، شاعر به سفارش مداح شعر کوچه - بازاری می‌گوید تا شعرش توسط مداح خوانده شود! و این یعنی چرخه معیوب.

از دست دادن جایگاه مرجعیت ادبی در حوزه شعر دینی و آیینی، شاعر باید جلودار و پرچمدار باشد. هم چنان که در تاریخ هزار و دو بیست ساله ادبیات فارسی بزرگانی چون فردوسی، سنایی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، اقبال، و ... همواره در این عرصه طلایه‌دار و پیش‌تاز بوده‌اند. اما با کمال تأسف باید گفت که نسل جوان شاعران امروز مرجعیت ادبی خود را از دست داده‌اند و جایگاه و

اما با وجود همه این برجستگی‌ها، به خاطر حساسیت فوق العاده این حوزه، نمی‌توان و نباید از کاستی‌های این ژانر ادبی چشم پوشید. باید صادقانه گفت که در کنار همه این تلاش‌های ارزنده و سازنده و دستاوردهای قابل ستایش، همچنان بخشی از پیکره شعر آیینی در آتش کج فهمی‌های اعتقادی و کژتابی‌های مضمونی می‌سوزد و متأسفانه هنوز هم از سوی گروه‌هایی از شاعران شاهد عرضه و ارائه آثاری هستیم که با آموزه‌های اصیل مکتب شیعی و جهان‌بینی توحیدی در تضاد و تقابل آشکار است.

این گروه‌های قلیل که شاعری را با ساحری اشتباه گرفته‌اند با استفاده ابزاری از شعر آیینی، ضمن دامن زدن به کژتابی‌های اعتقادی و مضمونی و دمیدن در تنور «اغراق»، علاوه بر این که با موجودیت و حیثیت شعر آیینی بازی می‌کنند، طیف مخاطبان خویش را نیز با طرح مسائل غیر مستند و القاء باورهای غلط دینی به گمراهی می‌کشانند. به خاطر بی‌اعتنایی این جماعت به ادب و آداب شعر آیینی، و در مواردی لجاجت و سماجت بر مواضع

با کمال افتخار و خرسندی باید بگوییم امروز با گذشت نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، مولود خجسته‌ای به نام «شعر آیینی» که دوران کودکی و نوجوانی خود را با سربلندی پشت سر گذاشته و در فضای ادبیات معاصر ایران قامت برافراشته است، به عنوان یک گونه ادبی مستقل و ارجمند، به رسمیت شناخته شده و به همت شاعران مومن و دین‌باور، همچنان در مسیر باروری و بالندگی به راه خود ادامه می‌دهد.

این واقعیتی ملموس و غیرقابل انکار است که شعر دینی و آیینی در سال‌های اخیر به برکت توصیه‌ها و رهنمودهای راهبردی و دلسوزانه رهبر انقلاب و پیشکسوتان این عرصه - در دو بُعد کمی و کیفی - روند رو به رشدی داشته است. شاعران و ذاکران اصیل نیز با شناخت فرصت‌ها و تهدیدها و با پالایش ساحت شعر آیینی از تحریفات و خرافات، در پاسداری و صیانت از این سرمایه معنوی گام‌های بلندی برداشته‌اند.

مداح‌محوری در شعر آیینی

پایگاه ادبی گذشته را ندارند. علت این امر شهوت «شهرت» است که آنان را از اصالت و رسالت انسانی و اجتماعی خود دور کرده و به «لایک» های کاربران فضای مجازی دلخوش! این گروه از شاعران فقط و فقط به «آنچه شما خواسته‌اید» می‌اندیشند و پیش و بیش از آن که به دنبال «خلوت» شاعرانه و مطالعه و پژوهش برای ارتقای دانش و بینش ادبی و دینی خود باشند، سر در وسوسه دنیای مجازی دارند و اشتیاق بازی و واژه‌سازی!

تولید شعرهای «فست فودی!»

آری، مشغله‌هایی از این جنس شاعران را از خلوت شاعرانه و مطالعه برای تولید شعر فاخر بازداشته است. دیگر این که در عصر حاضر- به خاطر کثرت برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌های رنگارنگ ادبی - بسیاری از شاعران دائم‌السفرند و مدام در حال رفت و آمد از این استان به آن استان. شاعرانی که به شاعران جشنواره‌ای معروفند و برای حفظ موقعیت طلایی خود - بی‌هیچ مطالعه و خلوتی - شعرهای «فست فودی» و جشنواره‌ای می‌سازند. شعرهایی که تاریخ تولید و انقضا دارند و به اقتضای هر مناسبتی به ناگزیر دچار بازنویسی و دگرگونی می‌شوند!

یادم هست در دیداری که چند سال پیش شاعران با امین شعر انقلاب داشتند، مقام معظم رهبری فرمودند؛ یکی از نیازهای شاعر خلوت شاعرانه است. از این رو اگر شاعر خلوت شاعرانه و سیر و سلوک درونی نداشته باشد، نمی‌تواند در شعرش «حرفی برای گفتن» داشته باشد، حرفی که جان و جهان مخاطب را بلرزاند و بر سبک زندگی و سلوک اخلاقی و اجتماعی‌اش تاثیر بگذارد. همچنان که حضرت عطار می‌گوید:

ذکر باید گفت تا فکر آورد

صد هزاران معنی بکر آورد

و صد البته «ذکر» که فعلی ست از جنس «مطالعه»، به خلوت شاعرانه و تفکر عالمانه نیاز دارد که در بساط بعضی از شاعران امروز «یافت می‌نشود!»

آفت «جشنواره‌زدگی»

بدون تردید «جشنواره‌زدگی» و «جشنواره‌نویسی» یکی از آفت‌های بزرگ شعر روز و روزگار ماست. این زنگ خطری برای نسل جوان شاعران امروز است که با چوب حراج زدن به استقلال ادبی و فرهنگی خود، روز و شب گوش به زنگ جشنواره‌ها

هستند تا مطابق ذوق و ذائقه نهادها و سازمان‌هایی که این جشنواره‌ها را برگزار می‌کنند دست به تولید اثر بزنند. این موضوع در دراز مدت باعث تنزل جایگاه انسانی شاعران و به ابتذال کشیده شدن هنر فاخر شعر در جامعه می‌شود. برای مقابله با این آفت، شاعران هوشمند و اصیل باید خود را از فضای «جشنواره‌زدگی» کنار کشیده و براساس نیازهای فطری و اصیل جامعه و رسالت اجتماعی و دینی دست به تولید اثر بزنند.

انقراض نسل شاعران حکیم

در گذشته اما شاعرانی که پیشانی نوشت اکثرشان «حکیم» بوده است، سلوکی عالمانه و متفکرانه داشته‌اند. با تأملی اجمالی در زندگی بزرگان ادب پارسی به خوبی در می‌یابیم که آنان علاوه بر شعر و ادب، عالم به علوم زمانه خویش بوده‌اند. علمی همچون: فلسفه، حکمت، فقه، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و... این تسلط به علوم زمانه باعث غنا و قوت، همچنین صلابت و سلامت مضمونی و اندیشه‌گری شعرشان می‌شد. یعنی شعرشان علاوه بر بیان احساس، از گوهر و جوهر عقلانیت و اندیشه نیز سرشار بود. آنان در شعرشان رویکردی معرفت‌شناسانه، تعلیمی و اخلاقی داشتند. از همین روی، هنگام سخن گفتن از بزرگان دین، سعی شان بر این بود که از سیمای کرامات و فضایل معنوی و انسانی این ذوات مقدس پرده‌برداری کنند و سیره علمی و عملی خاندان رسالت را در آئینه شعر به تماشا بگذارند.

گروهی از شاعران جوان امروز اما با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در حوزه ساختار، فرم، فنون صنعتگری و سخنوری، و برخورداری از توانمندی‌های قابل ستایش در سرایش اشعار منسجم و محکم با زبانی استوار و فاخر (چگونه گفتن)، در ساحت مضمون، محتوا و معنا (چه گفتن) دست‌شان خالی است و حرف قابل تأملی برای گفتن ندارند، و این یعنی «انقراض نسل شاعران حکیم». به همین خاطر پاره‌ای از شعرهای آئینی امروز - بی هیچ موضعی - در منزل «صورت» متوقف مانده‌اند و از کژتابی‌های مضمونی و اعتقادی شدیداً رنج می‌برند.

این شعرها اکثراً لهجه‌ای توصیفی و احساسی دارند و در حصار مدح و منقبت و سوگ و مرثیه گرفتارند.

بیشتر این شعرها دچار فقر اندیشه‌اند، به همین خاطر جز برانگیختن هیجانات زودگذر و دعوت به «گریستن»، تکانه و لرزه دیگری در جان و جهان مخاطب ایجاد نمی‌کنند. تکانه‌ای که منبعث از معرفت باشد، به اندیشه مخاطب تلنگر بزند و باعث «نگریستن» شود. بسامد چنین آسیبی به دلیل نگاه صرفاً مصرفی و صورتی این گروه از شاعران به حوزه شعر آئینی است. آنان مدح و منقبت را برای مصرف در جلسات ولادت بزرگان دینی و مرثیه‌ها را برای جلسات مرثیه‌خوانی می‌گویند و بر این تصورند که اگر موضوعات عمیق‌تری را دستمایه سرایش اشعار خود قرار دهند، شعرشان از سکه خواهد افتاد.

شعر آئینی، و «انسان» تراز اسلام

علی‌رغم چنین ذهنیت غلطی، شعر دینی و آئینی اصیل شعری است که از فضایل و سجایای انسانی، اخلاقی و اجتماعی بزرگان دینی که به حقیقت مصداق «انسان کامل» اند، بگوید و ما را به صراط مستقیم «خودشناسی»، «خداشناسی»، «بکتاپرس تی» و «بندگی» هدایت کند، و در نهایت از ما یک «انسان» تراز اسلام بسازد. نیاز امروز جامعه دینی ما شعری است که از منزل شیفتگی و شیدایی محض و «تحریک احساسات» فاصله بگیرد و پیش و بیش از پرداختن به وجوه افتراقی همانند معجزات، به سیره علمی و سلوک عملی بزرگان دینی بپردازد. شعری که آئینه تمام‌نمای حقیقت محمدی باشد و برترین رسالت خود را جهل‌ستیزی، خرافه‌سوزی و روشنگری بداند.

آری، امروز شعر اصیل آئینی باید با صولت حیدری، جهل خوارج نهروانی مُدرن را نشانه بگیرد. خوارجی که با نقاب القاعده و طالبان و داعش و ... به میدان آمده‌اند تا بار دیگر با به سرنیزه کردن قرآن، حقیقت نبوی و عدالت علوی را شهید کنند و امت اسلام را پاره پاره و آواره. برای تحقق این مهم، پالایش ساحت شعر دینی و آئینی از خرافات و تحریفات یک ضرورت حیاتی است. برداشتن چنین گام بلندی، همت بلند دغدغه‌مندان دین آگاه و مُصلحان ژرف‌اندیش این حوزه را می‌طلبد تا با احصاء نکات مغفول، و کالبدشکافی و آسیب‌شناسی عالمانه، زمینه باروری و بالندگی بیش از پیش شعر آئینی را فراهم کنند - اینچنین باد. ■

دعبل

شماره اول فصلنامه دعبل - تابستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و هنری دعبل خزاعی ذاکران اهل بیت

مدیرمسئول: علی عظیمی

آدرس: تهران بلوار کشاورز خیابان فلسطين نرسیده به میدان فلسطين بن بست سعیدی پلاک ۲ طبقه سوم واحد ۳

تلفن: ۸۸۹۷۶۵۳۳ سایت: deabelnews.ir تلگرام: telegram.me/BonyadDeabel

اینستاگرام: www.instagram.com/bonyad_deabel پست الکترونیکی: info@deabelnews.ir